

سنخ‌شناسی طلاق و پیامدهای اجتماعی آن (مطالعه موردی: زنان مطلقه تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) استان چهارمحال و بختیاری)

منصور حقیقتیان، دانشیار، گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهقان، ایران*

سیدعلی هاشمیان‌فر، دانشیار، گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان، ایران

عزیزالله آقابابایی، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهقان، ایران

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی انواع طلاق و پیامدهای اجتماعی آن انجام شده است و در آن از نظریه کنش عقلانی وبر و کنش منطقی پارتو و همچنین نظریه اقتصادی گری بکر مبنی بر گونه‌های طلاق عقلانی (جاه‌طلبانه، فاعلانه، توافقی، منفعلانه) و طلاق غیرعقلانی (اجباری و شتاب‌زده) با متغیرهای سرمایه اجتماعی، کیفیت زندگی، امنیت اجتماعی و اخلاقی، فرصت‌های اجتماعی، دوگانگی نقش، رابطه‌های اجتماعی و پایگاه اجتماعی استفاده شده است. پژوهش حاضر، با روش پیمایشی و روش‌شناسی کمی انجام شده است. جامعه آماری، همه زنان مطلقه تحت پوشش کمیته امداد استان چهارمحال و بختیاری در سال ۱۳۹۵ بوده است که تعداد ۴۰۰ نفر با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران و با تکنیک طبقه‌بندی منظم با ابزار پرسش‌نامه محقق‌ساخته و استاندارد (در حوزه کیفیت زندگی و سرمایه اجتماعی) مطالعه و بررسی شده‌اند. ابزار سنجش با روایی صوری و سازه‌ای (تحلیل عاملی) ارزیابی شده است و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۷ اعلام شده است. داده‌ها نیز در دو سطح توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم‌افزارهای آماری Spss و Amos ارائه شده است. نتیجه‌ها نشان می‌دهند همه متغیرهای پژوهش در سطح $p=0/0001$ معنی‌دار بوده‌اند؛ به طوری که طلاق عقلانی جاه‌طلبانه بر ارتباط‌های اجتماعی، فرصت‌های اجتماعی، امنیت اجتماعی و اخلاقی و کیفیت زندگی، تأثیر مثبت و مستقیم و بر سرمایه اجتماعی، دوگانگی نقش و پایگاه اجتماعی، تأثیر منفی و معکوس دارد. طلاق عقلانی فاعلانه بر ارتباط‌های اجتماعی، فرصت‌های اجتماعی و پایگاه اجتماعی، تأثیر منفی و معکوس و بر سرمایه اجتماعی، امنیت اجتماعی و اخلاقی و دوگانگی نقش، تأثیر مثبت و مستقیم دارد. طلاق عقلانی توافقی بر ارتباط‌های اجتماعی، فرصت‌های اجتماعی و کیفیت زندگی، تأثیر منفی و معکوس و بر سرمایه اجتماعی، امنیت اجتماعی و اخلاقی و دوگانگی نقش، تأثیر مثبت و مستقیم و بر سرمایه اجتماعی، امنیت اجتماعی و اخلاقی و دوگانگی نقش، تأثیر منفی و معکوس دارد. طلاق غیرعقلانی شتاب‌زده و اجباری بر فرصت‌های اجتماعی، تأثیر منفی و معکوس و بر سرمایه اجتماعی، دوگانگی نقش و امنیت اجتماعی و اخلاقی، تأثیر مثبت و مستقیم دارد. در کل نتیجه‌ها نشان می‌دهند طلاق‌های عقلانی، پیامدهای اجتماعی کمتری نسبت به طلاق‌های غیرعقلانی دارند و با توجه به نقش فاعل کنش در تصمیم به طلاق، پیامدها نیز متفاوت‌اند.

واژه‌های کلیدی: سنخ‌شناسی طلاق، زنان مطلقه، طلاق عقلانی و غیرعقلانی، پیامدهای اجتماعی، وبر، پارتو، گری بکر

مقدمه و بیان مسأله

در چند دهه اخیر نظام خانواده در ایران به دلیل‌هایی مانند گسترش زندگی شهرنشینی، توجه به ظاهر زندگی، تغییر در شیوه زندگی مردم و ورود و توسعه و گسترش وسیله‌های ارتباطی جدید، تغییرهایی کرده است و این تغییرها، مسئله‌های اجتماعی متنوعی را به دنبال داشته است. پدیده طلاق یکی از پیچیده‌ترین مشکل‌های زندگی زناشویی به شمار می‌رود و این پیچیدگی به دلیل نقش عامل‌های گوناگون فردی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در بروز این پدیده است. گونه‌های مختلف طلاق براساس میزان «عامل بودن» افراد در عملی شدن کنش طلاق دسته‌بندی شده‌اند که این عامل بودن، خود از دو عامل «میزان عاقل بودن» و «میزان تمایل‌های عاطفی» افراد در مقابل رخداد طلاق تأثیر می‌گیرد؛ علاوه بر این، تفسیر افراد از علت‌های طلاق و نیز برخی متغیرهای زمینه‌ای کوچک و بزرگ، نقش مهمی در شکل‌گیری گونه‌های طلاق دارد. مطالعه‌های مختلف نشان می‌دهند روند افزایش طلاق، جهانی است (Hall & Zhao, 1995; Gonzalez & Vitanen Tarja, 2009). در ایران و به دنبال آن استان چهارمحال و بختیاری نیز روند رو به رشد طلاق به‌ویژه از میانه دهه ۷۰ تا امروز را تجربه کرده و سبب افزایش توجه پژوهشگران و سیاست‌گذاران به این پدیده اجتماعی شده است؛^۱ پدیده‌ای که به گمان پژوهشگران، اثرهای زیان‌بار فراوانی در سطح فردی و اجتماعی در پی خواهد داشت و زمینه‌ساز بسیاری آسیب‌های اجتماعی دیگر در جامعه خواهد شد (صادقی‌فسایی و ایناری، ۱۳۹۲: ۱۳۵). طلاق اثرها و پیامدهای عمیق اقتصادی، اجتماعی، روانی، قانونی و والدینی برای زنان مطلقه و اجتماع دارد (Weiss, 1975). مطابق با نظریه کلاسیک سازگاری، واکنش منحصر به فرد هر شخص به طلاق، نتیجه

نحوه روبه‌رو شدن او با این رخداد و معنایی است که به طلاقش نسبت می‌دهد (Krumrei, 2009)؛ از این رو کسانی که با عامل بودن مضاعف، به طلاق عقلانی فاعلانه تصمیم گرفته‌اند، عموماً به دلیل بهبود کیفیت زندگی‌شان پس از طلاق، گرایش‌های ذهنی مثبتی را درباره طلاق گزارش کرده‌اند؛ زیرا از نگاه آنها طلاق بیش از آنکه شکست باشد، راهبرد است. کسانی که به شیوه‌های فاعلانه برای طلاق اقدام کرده‌اند، عموماً علت‌های جدی و دلیل‌های اساسی را برای طلاق خود برمی‌شمارند. برای آنها پذیرش طلاق و سازگاری با زندگی پس از آن، با آسانی بیشتری روی می‌دهد؛ زیرا طرف مقابل را مقصر اصلی وقوع طلاقشان می‌دانند. یافته‌های پژوهش‌های دیگر نیز این امر را تأیید می‌کند. دیویس و آرون دریافتند زنانی که در رخداد طلاق، همسرانشان را مقصر می‌دانند، در مقایسه با زنانی که خود را مقصر می‌دانند، سازگاری بهتری با طلاق دارند (Davis & Aron, 1988). برخی نظریه‌ها در زمینه همسرگزینی معتقدند ازدواج نوعی مبادله اجتماعی است که افراد در آن سرمایه‌های خود را مبادله می‌کنند و خانواده‌ها نیز به دنبال حفظ منفعت‌ها و سرمایه‌های جمعی خود یا کسب سرمایه‌های بیشترند (حسینی، ۱۳۸۶: ۸۷). افراد در طول دوره ازدواج خود، انواع سرمایه درونی و بیرونی مانند سرمایه‌های عاطفی، اجتماعی، اقتصادی و نمادین را تبادل می‌کنند؛ بنابراین در بسیاری طلاق‌های منفعلانه، نبود تعادل در سطح مبادله‌های مادی و معنوی میان زوج‌ها به طلاق منجر می‌شود. میزان عامل بودن و اراده افراد، به میزان فشارهایی بستگی دارد که ساختارها به آنها وارد می‌کنند. عامل بودن برخی افراد به علت عامل‌های ساختاری، محیطی و زمینه‌ای از عامل بودن برخی دیگر کمتر است. از این رو، زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی سوژه‌های مشمول طلاق، بر نحوه و کیفیت تصمیم‌گیری آنان و میزان عامل بودن و مشارکتشان در طلاق تأثیر بسزایی می‌گذارد. تأثیرهای ویرانگر این پدیده اجتماعی، طیفی گسترده را در بر می‌گیرد و افزون بر زوج‌ها، دامن فرزندان آنها را نیز خواهد گرفت و کیفیت زندگی آنها را

^۱ به‌ازای هر ۳/۹ ازدواج در ایران یک طلاق و به‌ازای هر ۷/۲۵ ازدواج در استان چهارمحال و بختیاری یک طلاق در سال ۱۳۹۵ رخ داده است. این آمار در سه ماهه اول سال ۱۳۹۶ اوضاع وخیم‌تری را در استان داشته است و به‌ازای هر ۳/۴۲ ازدواج در خردادماه ۱۳۹۶ در استان یک طلاق ثبت شده است (http://www.sabteahval.ir/chb).

به یک چشم بنگرند و در نتیجه راهکارهای یکسانی برای پیشگیری از آن یا کاهش پیامدهای آن ارائه دهند؛ در حالی که شناسایی خاستگاه‌ها و زمینه‌های گونه‌های طلاق در فهم پیچیدگی‌های این پدیده به ما کمک می‌کند. از این رو، پژوهش حاضر هدف خود را شناخت گونه‌های طلاق و پیامدهای اجتماعی آن در نظر گرفته است تا از این طریق بتواند به فهمی عمیق‌تر از این پدیده رو به رشد در جامعه ایرانی دست یابد و زمینه مناسب‌تری برای دخالت‌های کارشناسان در آینده فراهم آورد.

پیشینه پژوهش

آقایی و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله خود نشان داده‌اند میانگین نمره‌های همه بعدهای کیفیت زندگی (سلامت فیزیکی، روان‌شناختی، رابطه‌های اجتماعی و محیط زندگی) زنان مطلقه به‌طور معناداری کمتر از زنان غیرمطلقه است. محبی (۱۳۹۰) می‌گوید طلاق شرایطی را ایجاد می‌کند که سبب ازدست‌دادن حمایت اجتماعی خانواده، کاهش نفوذ اجتماعی و حتی گاه تضعیف موقعیت‌ها و فرصت‌های اجتماعی فرد می‌شود. یافته‌های پژوهش زهرکش فریمانی (۱۳۹۱) نشان داده است ۶۳٪ از زنان مطلقه به ازدواج مجدد تمایلی ندارند و دلیل آن را شکست در اولین تجربه زناشویی خود می‌دانند. صادقی فسایی و ایناری (۱۳۹۲) در پژوهشی گونه‌های طلاق را از نظر جامعه‌شناختی مطالعه کرده‌اند و نشان داده‌اند نحوه روبه‌رو شدن کنشگران با طلاق و زندگی پس از آن از تیپ‌های گوناگون طلاق تأثیر می‌پذیرد. عنایت‌زاده و قاضی‌زاده طباطبایی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای، تجربه زیستن زنان مطلقه گرد، فرایندها و چالش‌های آنان در شهرستان سقز را بررسی کرده‌اند.

اگرچه طلاق همه بخش‌های جامعه از جمله همسران، بچه‌ها، خانواده‌ها و کل چرخه زندگی اجتماعی را درگیر می‌کند، نوع تجربه افراد به نسبت جنسیت و فاعل بودن در فرایند طلاق و میزان درگیری آنها متفاوت است و ممکن است برای افراد به‌صورت تجربه‌ای مثبت یا منفی ادراک شود.

تهدید خواهد کرد؛ به این صورت که با ایجاد نگرشی منفی نسبت به ازدواج در فرزندان، سبب آسیب‌رساندن به کیفیت رابطه‌های زناشویی آینده آنها می‌شود (Fincham, 2004: 79). کاهش میزان سرمایه اجتماعی در همه بعدهای آن (پروین، ۱۳۹۱)، پذیرفتن مسئولیت فرزندان به تنهایی، تأثیر گرفتن از کیفیت زندگی، آسیب دیدن رابطه‌های اجتماعی، کاهش امنیت اجتماعی، تغییر و فشار مالی و اقتصادی به‌ویژه بین قشر کم‌درآمد، فقر مسکن و اشتغال و به‌طور کلی کاهش فرصت‌های اجتماعی برای زنان مطلقه و افراد تحت سرپرستی آنان و جابه‌جایی نقش‌های اجتماعی زنان مطلقه در جامعه که هم نقش پدری و هم نقش مادری را ایفا می‌کنند، تنها بخش کوچکی از پیامدهای اجتماعی طلاق‌اند که از طریق محرومیت‌های پس از طلاق از جمله طرد اجتماع و کاهش شبکه رابطه‌ها برای زنان مطلقه به وجود می‌آیند. در جامعه سنتی، وجود پیوندهای خویشاوندی قومی، ضمانتی برای برخی حمایت‌ها از زنان پس از طلاق فراهم می‌آورد که در جامعه کنونی چنین تضمین‌هایی فراهم نیست؛ از سوی دیگر، در جامعه‌های اسلامی هم زنان به ازدواج مجدد پس از طلاق ترغیب می‌شدند، هم تک‌زیستی زنان امری ناپسند به حساب می‌آمد و هم مردان به حمایت از این زنان، چه به شکل ازدواج اول و چه در قالب تعدد زوج‌ها و ازدواج‌های موقت درازمدت، تشویق می‌شدند؛ اما در جامعه ما واقعیت زندگی زنان مطلقه در زیر انبوهی از شعارهای حمایت از زنان و رویه‌ها و قانون‌های مشکل‌زا، نادیده گرفته می‌شود. زنان مطلقه سرپرست خانوار، با مشکل احساس تنهایی، گوشه‌گیری، طرد شدن و درک‌نشدن از سوی دیگران روبه‌رو هستند. کمبود حمایت‌های اجتماعی، مهم‌ترین عامل جهت پیش‌بینی پیامدهای منفی وضعیت این زنان است. زنان بیوه که سرپرستی خانواده را به عهده دارند، علاوه بر احساس تنهایی، فشار تأمین امور اقتصادی خانواده را نیز تجربه می‌کنند؛ امری که به‌طور معمول در آن تجربه کافی ندارند.

بنابراین کمبود پژوهش‌های مبتنی بر شناخت انواع طلاق، سبب شده است بسیاری مسئولان گونه‌های مختلف طلاق را

آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر چون مصرف مواد (Ambert, 1982) و... در میان افراد مطلقه تأکید دارند. برخی پژوهش‌ها نیز بر فشارهای اجتماعی و طرد افراد مطلقه از سوی جامعه تأکید می‌کنند که این مسئله برای زنان مطلقه نمود بیشتری دارد. شماری از پژوهش‌ها، برخی عامل‌های تسهیل‌کننده سازگاری با طلاق را شناسایی کرده‌اند که شامل سطح تحصیلات بالاتر، سطح درآمد بالاتر در دوره پیش از طلاق، اشتغال، مهارت‌های فردی مقابله با بحران، حمایت‌های اجتماعی بالاتر، ازدواج مجدد یا ورود به رابطه‌های جدید، ارزیابی مثبت نسبت به طلاق و درخواست‌کننده طلاق بودن است (Booth & Amato, 1991). مولینا در مقاله‌ای با عنوان «تجربه طلاق زنان اروپایی - امریکایی»، تأثیر پدیده طلاق را بر زنان مطلقه بررسی کرده است. او نتیجه می‌گیرد زنان مطلقه در معرض مشکل‌های مالی و احساسی‌اند؛ زیرا با اموری مانند حقوق کم و حمایت‌نشدن فرزندان و کمبود خرجی روبه‌رو هستند (Molina, 2000). عامل‌های فرهنگی از قبیل اعتقاد به خدا، اخلاق کاری، رابطه‌های خانوادگی بسته و تلاش برای رسیدن به موفقیت، از عامل‌های تغییر در نگرش به طلاق‌اند. کالمین و بروس در پژوهشی تأثیرهای مختلف طلاق بر یکپارچگی اجتماعی را تحلیل کرده‌اند. آنها دو فرضیه را مطرح کرده‌اند: یکی اینکه بعد از طلاق یکپارچگی اجتماعی حفظ می‌شود و طلاق تأثیری بر انسجام اجتماعی ندارد و دیگری اینکه طلاق سبب انزوای اجتماعی (فردگراشدن) می‌شود (Kalmijn & Broese Van Groenou, 2005). برای آزمون فرضیه‌ها از داده‌های حاصل از یک نظرسنجی مقطعی کشور هلند استفاده شده است. نتیجه‌ها به طور کلی کمک‌چندانی به فرضیه‌هایی زنان مطلقه نمی‌کند. شاخص‌های تماس با دوستان، مشارکت محلی، تفریح در فضای باز، حضور در کلیسا و مشارکت در باشگاه‌های اجتماعی، روند نزولی داشته است. همچنین نتیجه‌ها نشان داده است محدودیت‌های پس از طلاق به‌خصوص برای زنان به وجود آمده است و در کل ارتباط منفی بین طلاق و ادغام اجتماعی وجود دارد. ماتو و آشایی در پژوهشی تأثیر طلاق بر نگرش اجتماعی و

حسنی و همکاران (۱۳۹۲) پژوهشی را با هدف کشف پیامدهای طلاق برای زنان مطلقه و استفاده از رویکرد تحلیل تماتیک انجام داده‌اند. آنها نتیجه گرفته‌اند علی‌رغم مشکل‌های فراوانی که طلاق برای زنان ایجاد می‌کند، پیامدهای مثبتی نیز برای آنان دارد؛ هرچند هنوز همه زنان احساس می‌کنند به حمایت‌شدن نیاز دارند و از تنهایی در زندگی به شدت ناراحت‌اند، تعداد زیادی از زنان با وجود مشکل‌های بسیاری که در زندگی قبلی داشته‌اند، همچنان به ازدواج مجدد تمایل دارند و این امر نشان‌دهنده پایداری زنان به خانواده است. زنانی که به علت داشتن سرپرستی فرزند شرایط ازدواج برایشان فراهم نیست، با وقف خود برای فرزندانشان سعی می‌کنند از برچسب‌خوردن در جامعه رها شوند.

ویکراما و همکاران با مطالعه درباره شرایط مالی و سلامت فیزیکی زنان مطلقه، نشان دادند این زنان نسبت به زنان متأهل سطح‌های بالاتری از فشار مالی را تجربه می‌کنند و همچنین میزان بالاتری از ضعف خودارزیابی سلامتی را نشان می‌دهند (Wickrama et al., 2006). بومن نیز در پژوهش خود نشان داد درصد بالایی از قشر کم‌درآمد را مطلقه‌ها تشکیل می‌دهند (Bowman, 2007). دانینگ و همکارانش در پژوهش خود که نوعی تحلیل کیفیت زندگی است، نتیجه گرفتند مطلقه و میانسال‌بودن، از پیش‌بینی‌کنندگان مهم کیفیت ضعیف زندگی‌اند (Dunning et al., 2006). پژوهش‌های مختلفی نشان می‌دهند زنان و مردان طلاق‌گرفته در مقایسه با هم‌تایان متأهلشان، به‌طور مضاعفی به بیماری‌های جسمی، ناراحتی‌های روان‌شناختی، رخدادهای منفی زندگی، مشکل‌های اقتصادی، دشواری‌های والدگری و مشکل‌های ارتباطی مبتلا هستند (Wallerstein & Blackeslee, 2004). پژوهش‌ها، عامل‌های متعددی را در بروز این پیامدهای منفی در زندگی افراد مطلقه دخیل می‌دانند. این عامل‌ها شامل کشمکش با همسر سابق، وابستگی به همسر سابق، کاهش حمایت‌های اجتماعی، کاهش سرمایه‌های اقتصادی، کاهش تماس با فرزندان و دشواری‌های ایفای نقش تک‌والدی هستند (Kitson, 1992). پژوهش‌های دیگر نیز بر شیوع بیشتر

عقلانی بودن در سطح ابزاری توجه کرده‌اند؛ اما نزد وبر عقلانی بودن نسبت به هدف، بیشتر در نتیجه شناخت‌های فاعل کنش تعریف شده است تا در نتیجه شناخت‌های ناظر کنش (آرون، ۱۳۷۷: ۵۶۷-۵۶۶).

نظریه اقتصادی ازدواج بکر

اگر روش بکر به خوبی درک شود، رویکرد او به ازدواج هم فهمیده می‌شود. ازدواج پدیده‌ای رایج و پایدار است و عواقب اقتصادی دارد. فارغ از قانون‌هایی که در جامعه‌های مختلف در این زمینه اعمال شده است، در طول تاریخ بیشتر افراد بالغ، ازدواج کرده‌اند. افراد یا در برخی فرهنگ‌ها، والدین آنها، در میان گزینه‌های موجود به‌عنوان همسر، یک فرد را برای حداکثر شدن مطلوبشان انتخاب می‌کنند. این حداکثر شدن مطلوب در دیدگاه بکر با مصرف کالاهای خانگی تولیدشده اندازه‌گیری می‌شود. هر فرد در صورتی ازدواج می‌کند که منفعت‌هایی که از ازدواج انتظار می‌رود، از هزینه‌های مورد انتظار (هزینه ازدست‌رفتن زندگی مجردی یا ازدست‌رفتن فرصت ازدواج با بهترین گزینه در مرتبه بعد)، فراتر رود. به دلیل مشکل اطلاعات ناقص، افراد مجبورند جستجو کنند. این امر به خودی خود هزینه به‌همراه دارد؛ در نتیجه ممکن است فرد به همسری با ویژگی‌هایی پایین‌تر از حد ایده‌آلش راضی شود یا اینکه برای جبران، چانه‌زنی کند تا امتیازهایی را به دست آورد. اینگونه امتیازها شامل مبادله مقدرهایی از پول (جهیزیه و...) یا قبول تعهدهای خاص (تغییر در عادات‌های خاص) می‌شود. با وجود این، از دید بکر، آزادی انتخاب و اطلاعات کافی برای ایجاد تعادلی وجود دارد که در آن، شرایط بهینه پرتو برای طرفین برقرار باشد. استفاده از دیدگاه تولیدهای خانگی در نقش یک چهارچوب تحلیلی، ممکن است در نظر اول شوخی یا یک بازی ذهنی به نظر برسد. به‌ویژه اینکه برخی نتیجه‌های آن، سبک و پیش‌پاافتاده به نظر می‌آید؛ اما این دیدگاه پیش‌بینی‌های جالبی را ارائه می‌کند که دیگر روش‌ها از ارائه آن عاجزند؛ برای مثال در این دیدگاه

رابطه‌های زنان در منطقه سرینگر را بررسی کرده‌اند. نتیجه‌ها نشان داده است بسیاری از ازدواج‌ها در آغاز موفق بوده‌اند؛ اما بعد از آن به دلیل شاغل بودن زنانی که منبع درآمد دارند، طلاق اتفاق افتاده است. آنها در محیط کار خود با مشکل‌هایی روبه‌رو شده بودند. مشکل حتی برای زنانی که سرپرستی فرزندان را بر عهده گرفتند، بیشتر بوده است. بیشتر زنان مورد مطالعه از تصمیم خود از طلاق پشیمان نبودند. تنها احساسی که نسبت به شوهر سابق خود داشتند، احساس نفرت بود و بسیاری از زنان نمی‌خواستند ازدواج مجدد داشته باشند (Matoo & Ashai, 2012). مطالعه براون و مانالا از طریق مصاحبه با ۲۵۳ نفر از زنانی که در فرایند طلاق قرار داشتند، درباره تأثیر تغییر نقش‌های سنتی جنسی به نقش‌های مدرن و غیرسنتی صورت گرفته است. این مطالعه نشان می‌دهد زنانی که در نقش‌های جنسی‌شان گرایش‌های غیرسنتی داشتند، در فرایند طلاق نسبت به زنانی که در نقش‌های جنسی خود گرایش‌های سنتی داشتند، احساس نگرانی کمتر، رفاه و پیشرفت شخصی بیشتر، خودبینی بالاتر و کارآمدی فردی بیشتری داشتند (Brown & Manela, 1978).

چارچوب نظری

نظریه کنش پارتو و وبر

از دیدگاه پارتو، کنش منطقی^۱ این است که عملیات انجام شده، از لحاظ کسی که فاعل آنهاست و همه کسانی که شناخت‌های گسترده‌تری دارند، از نظر منطقی با هدف‌های خود مربوط باشد؛ یعنی منظور از کنش منطقی، آن نوع کنش‌هایی است که هم از لحاظ ذهنی و هم از لحاظ عینی معنای فوق را داشته باشند. او سایر کنش‌ها را «غیرمنطقی»^۲ می‌نامد که البته مقصود از آن «بی‌منطق»^۳ نیست (آرون، ۱۳۷۷: ۶۷۳). ریمون بودون مدعی است این نوع کنش همان «کنش عقلانی» معطوف به هدف ماکس وبر است (بودون، ۱۳۶۴: ۳۱)؛ در مقابل آرون معتقد است هر دو متفکر (پارتو و وبر)، به

¹ logical

² non-logical

³ illogical

عامل‌های زیست‌شناختی و نهادی تأثیر می‌گیرد.

از نظر بیکر افراد زمانی تصمیم به ازدواج می‌گیرند که باور کنند در صورت ازدواج کردن منفعت‌های آنان بیش از زمان مجردی است و همین محاسبه در باب تصمیم به طلاق نیز وجود دارد (مک‌کارتی و روزالیند، ۱۳۹۰: ۵۹۱; Baker, 1988). سوژه‌های اجتماعی، موجوداتی تماماً عقلانی نیستند و به فراخور اوضاع ذهنی و عینی خویش ممکن است به کنش‌های عاطفی و غیرعقلانی دست بزنند. از سویی، عقلانی‌خواندن کنش باید با حدی از وسواس و دقت نظر همراه باشد؛ زیرا اگر طبق نظر وبر، کنش عقلانی را کنشی بدانیم که فاعل آن، به اثر فعل خود و پیامدهای آن آگاه است (کرایب، ۱۳۸۲: ۱۰۰)، در زمینه طلاق آگاهی کامل از پیامدهای کنش، به‌خصوص در عصر پرمخاطره امروز تقریباً ناممکن است؛ اما مطابق جهت‌گیری سوژه در برابر طلاق و آمادگی عقلانی‌اش برای خروج از رابطه و فراهم کردن زمینه‌های آن، تا حدی ادعای احاطه و شناخت کنشگران از پیامدهای کنش پذیرفته می‌شود؛ هرچند آنچه بیشتر بر آن تأکید می‌شود، همان «مبنای کنش» فرد در هنگام طلاق است نه نتیجه‌های آن. در این پژوهش نیز مانند وبر، عقلانی‌بودن کنش بیشتر به دنبال شناخت‌های «فاعل» کنش تعریف می‌شود تا به دنبال شناخت «ناظر» کنش (آنچه پارتو ملاک منطقی خواندن کنش می‌داند)؛ یعنی ملاک عقلانی‌بودن طلاق بر اساس تفسیرهای خود فاعلان اجتماعی در نظر گرفته شده است. از این منظر، کنشی عقلانی است که افراد آن را عقلانی بخوانند و در آن، با به‌کاربردن ابزار و وسیله‌های مناسب، به دنبال هدفی خاص یا سود و منفعت (نه لزوماً مادی) خود باشند و به اثرهای فعلشان آگاه باشند. بسیاری از کنشگرانی که طلاق عقلانی را از سر گذرانده‌اند، پیش از آن مدت زمان زیادی را، صرف توجه به آن اقدام و پیامدهای آن کرده‌اند و آمادگی لازم برای روبه‌روشدن با پیامدهای پس از آن را در خود پرورش داده‌اند. آنها در واقع به انجام کنش عقلانی معطوف به هدف دست زده‌اند و هدفشان بهبود کیفیت زندگی‌شان بوده است. به همین دلیل

پیش‌بینی می‌شود منفعت‌های ناشی از ازدواج و در نتیجه احتمال ازدواج برای زوج‌هایی که میان آنها تفاوت چشمگیری از نظر توان کسب درآمد وجود دارد، بیشتر خواهد بود. دلیل این نکته، به‌طور عمده آن است که اگر یکی از طرفین در کار بیرون از خانه و دیگری در تولید خانگی متخصص شوند، آنگاه منفعت‌های ناشی از مبادله در چنین ازدواجی بیشتر خواهد بود. این تحلیل، محرک‌های دگرخواهانه ازدواج را نیز در بر می‌گیرد؛ مثلاً توجه به همسر نیز وارد تحلیل می‌شود. در الگوی بکر توجه به همسر، سبب افزایش گرایش فرد به همسر مطلوب بودن می‌شود. این نکته بر توزیع محصول تولیدشده در پی ازدواج تأثیر می‌گذارد و بهره‌های بالقوه آن را افزایش می‌دهد. همچنین این تحلیل، با کارهای اولیه بکر درباره نوع دوستی و رابطه‌های اجتماعی پیوند پیدا می‌کند. ذکر این نکته ضروری است که این الگو به گونه‌ای سیستماتیک آزمایش نشده است؛ بنابراین این تصور ایجاد شده است که «شاهد‌های» نامعتبر ارائه شده، ارزش چندانی ندارند. با وجود این، بکر مقاله دیگری ارائه داده است که در آن، برخی پیش‌بینی‌های جنبی این نظریه با توجه به داده‌های مربوط به ازدواج‌های ناموفق، آزمایش می‌شوند؛ برای مثال این دیدگاه بیانگر این است که تغییرهای عمده در متغیرهای مؤثر در تصمیم‌گیری طرفین، سبب می‌شود افراد تصمیم‌هایشان را دوباره ارزیابی کنند. اگر طلاق کم‌هزینه باشد، ممکن است این تغییرها به جداشدن طرفین از یکدیگر منجر شود؛ مثلاً اگر درآمدها به گونه غیرمنتظره‌ای از آنچه در ابتدا پیش‌بینی می‌شده است، بیشتر یا کمتر باشد، احتمال طلاق افزایش می‌یابد. میزان وقت صرف‌شده برای جستجو نیز با ناپایداری ازدواج ارتباط دارد. آنهایی که در جوانی و براساس اطلاعات محدود درباره ویژگی‌های طرف مقابل و گزینه‌های جایگزین موجود ازدواج می‌کنند، فوق‌العاده در معرض طلاق گرفتن قرار دارند. این دیدگاه اهمیت خاصی دارد؛ زیرا با اینکه همه جنبه‌های ازدواج را توضیح نمی‌دهد، دست‌کم بیانگر آن است که رفتار زوج‌یابی انسان کمتر از آنچه غالباً بیان می‌شود، از

است. حجم نمونه با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران برابر با ۴۰۰ نفر است که با روش نمونه طبقه‌ای منظم مطالعه و بررسی شدند.

چگونگی سنجش متغیرها

ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه استاندارد در حوزه سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی و محقق‌ساخته در حوزه سنخ‌شناسی طلاق، فرصت‌های اجتماعی، رابطه‌های اجتماعی، امنیت اجتماعی و پایگاه اجتماعی بوده است. در حوزه سنخ‌شناسی طلاق، پرسش‌نامه شامل (۲۴ سؤال در پنج بعد طلاق عقلانی فاعلانه، جاه‌طلبانه، توافقی، منفعلانه و طلاق غیرعقلانی شتاب‌زده و اجباری)، در حوزه سرمایه اجتماعی (۳۱ سؤال در سه بعد شناختی، ارتباطی، ساختاری)، در حوزه کیفیت زندگی (۸ سؤال در دو بعد رابطه‌ها و محیط اجتماعی)، در حوزه امنیت اجتماعی (۹ سؤال در دو بعد امنیت اجتماعی و امنیت اخلاقی)، در حوزه رابطه‌های اجتماعی (۱۴ سؤال در سه بعد رابطه‌های فردی، سازمانی و اجتماعی)، در حوزه فرصت‌های اجتماعی (۱۴ سؤال در دو بعد فرصت مالی و غیرمالی)، در حوزه دوگانگی نقش (۵ سؤال) و در حوزه پایگاه اجتماعی (۴ سؤال با مقیاس اسمی) در قالب طیف لیکرت بوده است و از کاملاً درست تا کاملاً نادرست را شامل می‌شود.

در این پژوهش طلاق به دو قسم عقلانی و غیرعقلانی تقسیم شده، درباره آن مطالعه شده است: طلاق عقلانی خود به چهار دسته جاه‌طلبانه، فاعلانه، توافقی و منفعلانه تقسیم می‌شود. مشخصه اصلی و کلی این سنخ همان گونه که از نامش پیداست، عقلانی بودن آن از نگاه کنشگران است. برای کنشگرانی که در این دسته جای می‌گیرند، طلاق امری عقلانی قلمداد می‌شود. طلاق غیرعقلانی شامل شتاب‌زده و اجباری می‌شود که بیشتر به دلیل الزام‌های بیرونی یا اصرار طرف مقابل به وقوع می‌پیوندد و سوژه طلاق هیچ تمایلی به جدایی نداشته است و طلاق

بیشتر افرادی که در این سنخ طلاق قرار می‌گیرند (به‌استثنای گروه طلاق شتاب‌زده)، به‌طور قوی خود را در به‌انجام‌رساندن طلاق عامل می‌دانند؛ زیرا طلاق را رخدادی معقول و مفید می‌دانند و آن را همچون «راه‌حل» یا ابزاری برای بیرون‌رفتن از وضعیت نامناسب ازدواجشان به کار می‌برند.

فرضیه‌ها

فرضیه اصلی

• بین سنخ‌شناسی طلاق و پیامدهای اجتماعی آن، در بین زنان مطلقه رابطه وجود دارد (تدوین الگو).

فرضیه‌های فرعی

• بین طلاق عقلانی جاه‌طلبانه و پیامدهای اجتماعی آن، در بین زنان مطلقه رابطه وجود دارد. بین طلاق عقلانی فاعلانه و پیامدهای اجتماعی آن، در بین زنان مطلقه رابطه وجود دارد. بین طلاق عقلانی توافقی و پیامدهای اجتماعی آن، در بین زنان مطلقه رابطه وجود دارد. بین طلاق عقلانی منفعلانه و پیامدهای اجتماعی آن، در بین زنان مطلقه رابطه وجود دارد. بین طلاق غیرعقلانی و پیامدهای اجتماعی آن، در بین زنان مطلقه رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

مطالعه حاضر، پژوهشی با رویکرد کمی است که به دنبال شناخت گونه‌های طلاق در جامعه است. سنخ مجموعه‌ای از حالت‌ها یا اشخاص است که دست‌کم در یک ویژگی با یکدیگر مشترک‌اند. سنخ‌شناسی، تقسیم‌بندی و تنظیم داده‌ها با توجه به ویژگی‌های آنها و برپایه معیار یا معیارهایی خاص است که پژوهشگر در پژوهش خود در نظر گرفته است (Mitchell et al., 2007: 1). سنخ‌شناسی زمینه‌ای مناسب برای توصیف دقیق وضع موجود فراهم می‌کند. جامعه آماری، همه زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) استان چهارمحال و بختیاری به‌علت طلاق در سال ۱۳۹۵ بوده است که تعداد آنان برابر با ۱۰۶۰ خانوار یا ۱۹۶۵ نفر

عاطفی را تجربه نکرده است (مک‌کارتی و روزالیند، ۱۳۹۰: ۵۹۱).

جدول ۱ - شاخص‌های سنخ‌شناسی طلاق

شاخص‌های سنخ‌شناسی طلاق	
طلاق عقلانی	رهایی از قفس زندگی، رسیدن به آرزوها، تغییر
جاه‌طلبانه	در کیفیت زندگی، آسان‌شدن رفت‌وآمد، مختاربودن در زندگی، کنترل‌نشدن زندگی توسط دیگران
طلاق عقلانی	بیش از اندازه به خود اهمیت‌دادن، نداشتن هیچ
فاعله	حسی به زندگی مشترک، مهم‌نبودن فرزندان در زندگی، بی‌توجهی به نظرهای اعضای خانواده، مخالفت با نگرش‌های سنتی، ایستادگی در برابر افراد خانواده
طلاق عقلانی	جداشدن بدون هرگونه تنشی، سردشدن از
توافقی	زندگی، نداشتن احساس رضایت از زندگی، احساس رضایت از جدایی
طلاق عقلانی	قطع‌نکردن کامل وابستگی به زندگی قبلی،
منفعله	متقاضی‌بودن مرد برای طلاق، بی‌میل‌بودن نسبت به طلاق‌گرفتن
طلاق	دوست‌داشتن زندگی و طرف‌مقابل و امیدواری
غیرعقلانی	به بازگشت، تمایل‌نداشتن به زندگی به‌صورت
شتاب‌زده و	مطلقه، طلاق از روی عصبانیت، ناپختگی و
اجباری	عجله در طلاق، نداشتن توانایی در اداره زندگی بدون شغل و سرپناه، نبودن حامی در زندگی، احساس پشیمانی از طلاق، تأثیرپذیری از صحبت‌های دیگران

کیفیت زندگی^۱

فارکووار بین سه تعریف کارشناسانه و یک تعریف غیرحرفه‌ای از کیفیت زندگی فرق می‌گذارد. او تعریف کارشناسانه را به سه جزء تقسیم می‌کند: ابتدا، تعریف عمومی و کلی از کیفیت زندگی یعنی درجه رضایت یا نارضایتی که مردم با جنبه‌های مختلف زندگی آن را احساس می‌کنند. دوم، تعریف اجزایی از کیفیت زندگی که مربوط به وجود طبیعی چندبعدی از این

مفهوم با شاخص‌های مختلف و مجزاست. سوم، تعریفی دقیق و خاص شده که مربوط به یک یا دو مورد از بعدهای مختلف کیفیت زندگی است. منظور از تعریف غیرحرفه‌ای کیفیت زندگی، این است که از گروه‌های مختلف اجتماعی مثلاً از سالمندان درباره وضعیت کیفیت زندگی‌شان پرسیده می‌شود (خدیو و علیی، ۱۳۸۶: ۱۵۹).

جدول ۲ - شاخص‌های کیفیت زندگی

شاخص‌های کیفیت زندگی	
رابطه‌های	احساس رضایت از رابطه با دیگران، احساس
اجتماعی	رضایت از وابستگی و رابطه با دیگران، حمایت دوستان و آشنایان، وجود برخی افراد برای درددل
محیط و	داشتن پول به اندازه رفع نیازهای زندگی، دردسترس‌بودن خبرها و اطلاعات موردنیاز
وضعیت زندگی	روزانه، رضایت از امکانات و شرایط محل زندگی، دسترسی به امکانات حمل‌ونقل و رفت‌وآمد

سرمایه اجتماعی^۲

سرمایه اجتماعی پدیده‌ای مدیریتی است و ویژگی‌های مختلفی مانند اعتماد (هنجارها)، ارزش‌ها و رفتارهای مشترک، ارتباط‌ها، همکاری، تعهد متقابل، شناخت متقابل و شبکه دارد (Lin, 2001). اونیکس و بولن برای تبیین و اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی، مؤلفه‌هایی به شرح زیر بیان کرده‌اند: مشارکت در جامعه محلی، عامل‌بودن اجتماعی یا پیش‌نگری و پیش‌قدمی در بافت و زمینه اجتماعی، احساس امنیت و اعتماد، تعامل‌ها با خانواده و دوستان، تحمل تنوع افراد و سلیقه‌های متفاوت، ارزش زندگی و تعامل‌های شغلی (Onyx & Buleen, 2000: 23-42).

² Social capital

¹ Quality of Life

جدول ۳ - شاخص‌های سرمایه اجتماعی

شاخص‌های سرمایه اجتماعی	
شناختی	احساس امنیت و اعتماد، تعامل‌ها با دوستان و خانواده، احساس ارجمندبودن در جامعه، احساس رضایت از گذشته زندگی، کمک به دیگران، کمک به گروه‌های محلی، احساس امنیت، اعتماد به مردم، ارتباط با غریبه‌ها، امن بودن محیط زندگی
ارتباطی	ارزش زندگی، تنوع ارتباط‌ها با افراد و سلیقه‌های مختلف، عامل بودن اجتماعی، کمک‌گرفتن از دوستان، کمک‌گرفتن از همسایگان، ملاقات و دیدار همسایگان، ارتباط تلفنی با دوستان، شرکت در انجمن‌های محلی، عضویت در باشگاه‌های محلی، احساس راحتی از شرکت در سازمان‌های مختلف، ارتباط کلامی با دیگران، میل کردن شام یا ناهار با دوستان، دیدار با اقوام و آشنایان بیرون از محل سکونت
ساختاری	مشارکت در جامعه محلی، تعامل‌های شغلی، خریدکردن از مغازه دوستان و آشنایان، کسب اطلاعات برای حل مشکل‌ها، کمک به همسایگان بیمار، مدیریت باشگاه‌ها و مؤسسه‌های محلی، شرکت در مؤسسه‌های ارائه‌دهنده خدمات‌های اورژانسی، مشارکت در ارائه خدمات‌های مؤسسه‌های محلی، آزادی بیان در مشکل‌های محل سکونت، زندگی با افراد غریبه و دارای فرهنگ‌های متفاوت در یک محله، لذت‌بردن از افراد با شیوه‌های زندگی متفاوت، پذیرفتن غریبه‌هایی که وارد منطقه سکونت شما شده‌اند

امنیت اجتماعی و اخلاقی^۱

عبارت است از حالت فراغت همگانی از تهدیدی که کردار غیرقانونی دولت یا دستگاه یا فرد یا گروهی، در تمام یا بخشی از جامعه پدید آورد (رجبی‌پور، ۱۳۸۲: ۱۴).

¹ Social and moral security

جدول ۴ - شاخص‌های امنیت اجتماعی

شاخص‌های امنیت اجتماعی	
امنیت اجتماعی	ترسیدن از تنهایی در شب و مسیرهای خلوت، ترس از تردد در محل زندگی، محترم شمرده‌نشدن زن مطلقه در جامعه، احترام قائل‌نشدن برای زنان مطلقه در جامعه، وجود مزاحمت‌های کلامی، وجود مزاحمت‌های غیرکلامی، احساس آرامش در زندگی روزمره، پنهان کردن طلاق در محیط کار و زندگی، تهدیدشدن زن جوان مطلقه و بدون فرزند، ارائه پیشنهادهاى ناجور (غیراخلاقی) به افراد مطلقه

ارتباط اجتماعی^۲

ارتباط اجتماعی، اصطلاحی کلی است که از آن برای بیان تمام اشکال رابطه‌های اجتماعی با مشارکت آگاهانه افراد یا گروه‌ها استفاده می‌شود و وسیله‌های ارتباط اجتماعی، علامت‌ها، حرکت‌ها، نمادها، سخن و... و صورت‌های مربوط به زبان و هر بیان معنی‌دار را در بر می‌گیرد (پیرو، ۱۳۷۰: ۳۴۴).

جدول ۵ - شاخص‌های ارتباط اجتماعی

شاخص‌های ارتباط اجتماعی	
با خانواده	رفت‌وآمد با پدر، رفت‌وآمد با مادر، رفت‌وآمد با برادر، رفت‌وآمد با خواهر، رفت‌وآمد با اقوام و آشنایان، رفت‌وآمد با همسایگان
با نهادها	کمیته امداد، نیروهای انتظامی، بهزیستی، دادگستری، شهرداری، بیمارستان‌ها، استانداری
با صنف‌ها	باشگاه ورزشی و تفریحی، اتحادیه صنفی، هیئت‌ها و جلسه‌های مذهبی، اتحادیه شغلی، مراکزهای علمی

² social connection

پایگاه اجتماعی^۱

ارزشی که یک گروه برای یک نقش اجتماعی قائل است و به طور کلی ارزش یک چیز، وقتی به دست می‌آید که نسبت آن با چیزهای دیگر معلوم شود و به بیان دیگر رتبه‌بندی صورت گیرد. هرگاه اعضای یک گروه در تعیین ارزش یک تن یا یک گروه دیگر یا نقش‌های آن، موافق موازین خود هم‌داستان شوند، گفته می‌شود ارزش‌گذاری اجتماعی کرده‌اند و هنگامی که یک نقش اجتماعی، ارزش‌گذاری اجتماعی می‌شود، «پایگاه اجتماعی» آن نقش معلوم می‌شود (اگبرن و نیمکف، ۱۳۵۰: ۱۵۵).

جدول ۶ - شاخص‌های پایگاه اجتماعی

شاخص‌های پایگاه اجتماعی	
پایگاه	میزان تحصیلات، وضعیت اشتغال، میزان
اجتماعی	درآمد ماهیانه، وضعیت مسکن

فرصت اجتماعی^۲

و بر برای نخستین بار اصطلاح فرصت‌ها یا شانس‌های زندگی را به کار برد و منظور او از آن، امکانات اختصاصی شخص از لحاظ برخورداری از ثروت، وضعیت بیرونی زندگی و تجربه شخصی بود. فرصت‌های زندگی در وسیع‌ترین معنای آن، شانس دسترسی به انواع کالای اقتصادی یا فرهنگی برای هر فرد در هر جامعه است. هانس گرت و سی رایت میلز فرصت‌های زندگی را شامل طیف وسیعی از امکاناتی می‌دانند که «احتمال زنده ماندن در طول سال اول زندگی پس از تولد تا امکان آشنایی با هنرها، سلامت زیستن و به‌طور عادی پرورش یافتن، برخورداری از خدمات‌های پزشکی و درمانی در صورت بیمارشدن، کشیده‌نشدن به بزهکاری در نوجوانی و مهم‌تر از همه امکان دست‌یابی به تحصیلات دبیرستانی یا

دانشگاهی» را در بر می‌گیرد (تامین، ۱۳۷۳: ۹۳).

جدول ۷ - شاخص‌های فرصت‌های اجتماعی

شاخص‌های فرصت‌های اجتماعی	
فرصت غیرمالی	ازدواج مجدد: طی شدن دوره جوانی، استقبال نکردن مردان مجرد از زنان بیوه، تغییر نگرش‌ها، انگشت‌نماشدن، تحویل‌نگرفتن دوستان زن متأهل بعد از طلاق، حضورنداشتن در مهمانی‌ها و جمع‌ها، حمایت نکردن خانواده زن، قطع شدن ارتباط زن با محیط بیرون از خانواده
فرصت مالی	فرزندان: نبود پدر بالای سر فرزندان و احساس حقارت آنان، تأثیر بر وضعیت اجتماعی و آبروی فرزندان در محل زندگی، تأثیر بر وضعیت دختران دم‌بخت خانواده، افت تحصیلی و آموزشی فرزندان، محدودشدن تفریح‌های فرزندان
فرصت مالی مطلقه	نداشتن شغل، نگاه ابزاری و کالایی به زنان

دوگانگی نقش^۳

آگاهی فرد از اولویت‌ها، چشم‌داشت‌های محیط کار و معیارهای ارزشیابی را ارزیابی می‌کند (Osipow & Spokane, 1998: 18).

جدول ۸ - شاخص‌های دوگانگی نقش

شاخص‌های دوگانگی نقش	
دوگانگی	بار مالی خانواده را بردوش کشیدن، هزینه‌های معیشتی، تحصیلی و مسکن و...
نقش اقتصادی	خانواده، داشتن رفتار و اعمال مردانه،
و اجتماعی	پدری‌کردن برای فرزندان، حضور در جمع‌های مردانه

در این پژوهش برای برآورد اعتبار ابزار سنجش، از دو روش اعتبار محتوا از نوع صوری و سازه‌ای استفاده شده

¹ Social status

² Social opportunities

³ Role ambiguity

۷۸ نفر ۵ سال، ۸/۷۵ درصد برابر با ۳۵ نفر ۶ تا ۹ سال و ۸ درصد برابر با ۳۲ نفر ۱۰ سال به بالاست. میانگین تعداد سال‌های زندگی مشترک برای پاسخ‌گویان برابر با ۴/۹۷ سال با انحراف میانگین ۶/۱ است.

حدود ۳۸ درصد برابر با ۱۵۲ نفر، ۱ سال از زمان جدایی آنان گذشته است و ۲۸ درصد برابر با ۱۱۲ نفر ۳ سال، ۱۹/۷۵ درصد برابر با ۷۹ نفر ۵ سال، ۵/۵ درصد برابر با ۲۲ نفر ۶ سال، ۳/۷۵ درصد برابر با ۱۵ نفر ۷ سال، ۳/۲۵ درصد ۸ سال و ۱/۷۵ درصد برابر با ۷ نفر، ۱۰ سال از جدایی و طلاق آنها گذشته است. میانگین سال جدایی و طلاق پاسخ‌گویان ۳/۹ سال با انحراف میانگین ۲/۹ است.

حدود ۴۰/۷۵ درصد برابر با ۱۶۳ نفر از پاسخ‌گویان شغل (شغل‌های خدماتی، فروشنده‌گی، آرایشگری، خیاطی و...) دارند و ۴۳ درصد برابر با ۱۷۲ نفر خانه‌دار و ۱۶/۲۵ درصد برابر با ۶۵ نفر بیکار و جویای کارند.

حدود ۳۰ درصد برابر با ۱۲۰ نفر از پاسخ‌گویان درآمد زیر ۲۵۰ هزار تومان به صورت ماهیانه دارند و ۶۰ درصد برابر با ۲۶۶ نفر درآمد ۲۵۱ تا ۶۰۰ هزار تومان و ۱۰ درصد برابر با ۱۴ نفر درآمد ۶۰ هزار تومان به بالا دارند. حدود ۴۲ درصد برابر با ۱۶۸ نفر از پاسخ‌گویان در مسکن والدین سکونت دارند و ۴۰ درصد برابر با ۱۶۰ نفر مسکن رهن و اجاره و ۸ درصد برابر با ۳۲ نفر منزل شخصی دارند. ۱۰ درصد برابر با ۴۰ نفر نیز با اقوام نزدیک (خواهر و برادر) زندگی می‌کنند.

حدود ۷ درصد برابر با ۲۸ نفر تجربه ازدواج قبلی دارند و ۹۳ درصد برابر با ۳۷۲ نفر نیز تجربه ازدواج قبلی ندارند. حدود ۷۱ درصد از پاسخ‌گویان برابر با ۲۸۵ نفر خودشان متقاضی طلاق بوده‌اند و ۲۹ درصد برابر با ۱۱۵ نفر همسر آنان متقاضی طلاق بوده است.

حدود ۸ درصد برابر با ۳۲ نفر از پاسخ‌گویان پس از طلاق مهریه خود را تا حدودی دریافت کرده‌اند و بخشی از آن را بخشیده‌اند و ۸۴ درصد برابر با ۳۳۶ نفر مهریه را کامل بخشیده‌اند و ۸ درصد برابر با ۳۲ نفر نیز مهریه را کامل گرفته‌اند.

حدود ۴۰ درصد برابر با ۱۶۰ نفر از پاسخ‌گویان مدت

است. برای سنجش اعتبار صوری، معرف‌های پژوهش به استاد‌های جامعه‌شناسی و متخصصان مسئله‌های اجتماعی ارائه شده است و نظر آنان درباره معرف‌ها و تعداد بعدها اعمال شده است. در اعتبار سازه، چارچوب نظری پرسش‌نامه مطرح می‌شود. در این شیوه، ارزیابی سنجه برحسب مطابقت آن با انتظارات نظری صورت می‌گیرد (دوس، ۱۳۷۶: ۶۴). ازلحاظ آماری یکی از راه‌های محاسبه این نوع اعتبار، استفاده از تکنیک تحلیل عاملی تأییدی است. نرم‌افزار به‌کاررفته برای این تحلیل آماری، الگوسازی معادله‌های ساختاری ایموس بوده است و آیت‌هایی که بار عاملی ضعیفی داشته‌اند، از پرسش‌نامه نهایی حذف شده‌اند.

جهت محاسبه پایایی نیز پایایی همسانی درونی آیت‌ها در نظر گرفته شده است که معمولاً با ضریب آلفای کرونباخ گزارش می‌شود. ضریب به‌دست‌آمده درباره پایایی هر متغیر با بعدها آن، ضریب ۰/۷۲ به بالاست که این ضریب برای انجام پژوهش‌های علمی، پذیرفتنی است. همچنین داده‌ها در دو سطح تحلیل شده‌اند؛ در سطح توصیفی، داده‌ها با استفاده از شاخص‌های آماری فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار طبقه‌بندی شده است و در سطح استنباطی، ضمن ارائه آزمون‌های همبستگی، آزمون فرضیه‌ها با استفاده از الگوی معادله‌های ساختاری با استفاده از نرم‌افزار ایموس انجام شده است.

یافته‌های توصیفی

حدود ۹۶ نفر از پاسخ‌گویان زیر ۳۰ سال و ۵۰ درصد برابر با ۲۰۰ نفر، در گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال و ۲۶ درصد برابر با ۱۰۴ نفر، در گروه سنی ۴۱ تا ۵۰ سال قرار دارند. میانگین سنی پاسخ‌گویان برابر با ۳۸/۶ با انحراف میانگین ۱۱/۴ است. حدود ۱۷۶ نفر از پاسخ‌گویان میزان تحصیلات تا مقطع ابتدایی، ۴۰ درصد برابر با ۱۶۰ نفر، تحصیلات مقطع راهنمایی، ۸ درصد برابر با ۳۲ نفر، تحصیلات متوسطه و ۸ درصد برابر با ۳۲ نفر تحصیلات عالی دارند.

مدت زمان زندگی مشترک حدود ۲۰ درصد برابر با ۸۰ نفر از پاسخ‌گویان یک سال، ۱۹/۷۵ درصد برابر با ۷۹ نفر دو سال، ۲۴ درصد برابر با ۹۶ نفر ۴ سال، ۱۹/۵ درصد برابر با

ازدواج مجدد نداشته‌اند و ۱۴ درصد برابر با ۵۵ نفر، وجود فرزندان را مانع ازدواج مجدد خود دانسته‌اند. ۱۰ درصد برابر با ۴۰ نفر دوستی با دیگران را جهت رفع احتیاج‌ها، مانعی در ازدواج مجدد مطرح کرده‌اند و ۱۲ درصد برابر با ۴۸ نفر، تجربه زندگی قبلی را مانع ازدواج مجدد دانسته‌اند. ۶ درصد برابر با ۲۳ نفر بیان کرده‌اند استقلال مالی دارند و به آقا بالا سر نیاز ندارند و ۱۲ درصد برابر با ۵۰ نفر نیز بیان داشته‌اند تاکنون مورد مناسبی برای ازدواج مجدد پیدا نکرده‌اند و به ازدواج مجدد نیز تمایلی ندارند.

زمان اقدام به طلاق تا جدایی قانونی خود را یک سال، ۲۴ درصد برابر با ۹۶ نفر ۲ سال و ۳۶ درصد برابر با ۱۴۴ نفر این زمان را ۳ سال و بیشتر بیان کرده‌اند. حدود ۴۰ درصد برابر با ۱۶۰ نفر از پاسخ‌گویان بیان کرده‌اند در وقوع طلاق آنان تأخیری وجود نداشته است، ۲۴ درصد برابر با ۹۶ نفر وجود فرزندان در زندگی را مانع دیر تحقق پیدا کردن طلاق دانسته‌اند و ۱۸ درصد برابر با ۷۲ نفر دریافت نکردن مهریه را و ۱۸ درصد برابر با ۷۲ نفر دخالت خانواده و دیگران را از دلیل‌های تأخیر طلاق مطرح کرده‌اند.

حدود ۴۶ درصد برابر با ۱۸۴ نفر از پاسخ‌گویان تمایل به ازدواج مجدد داشته‌اند و ۵۴ درصد برابر با ۲۱۶ نفر تمایل به

جدول ۹- خوشه‌بندی متغیرهای وابسته پژوهش

امنیت اجتماعی و اخلاقی	فراوانی	درصد	شاخص‌های توصیفی	سرمایه اجتماعی	فراوانی	درصد	شاخص‌های توصیفی
پایین	۱۲۷	۳۱/۸	میانگین و انحراف معیار =	پایین	۲۰۰	۵۰،۰	میانگین و انحراف معیار = $۲/۳۴ \pm ۷۳$
متوسط	۱۲۶	۳۱/۵	$۲/۰۵ \pm ۸۲$	متوسط	۱۳۶	۳۴،۰	میان = $۲/۵$
بالا	۱۴۷	۳۶/۸	میان = ۲	بالا	۶۴	۱۶،۰	نما = ۳
جمع	۴۰۰	۱۰۰	نما = ۳	جمع	۴۰۰	۱۰۰	
رابطه‌های اجتماعی	فراوانی	درصد	میانگین و انحراف معیار =	کیفیت زندگی	فراوانی	درصد	
پایین	۳۵	۸۷/۷۵	$۱/۰۷ \pm ۳۸$	پایین	۱۶۹	۴۲/۳	میانگین و انحراف معیار = $۱/۷ \pm ۷۶$
متوسط	۳۵	۸۷/۵	میان = ۱	متوسط	۱۴۸	۳۷،۰	میان = ۲
بالا	۱۵	۳/۸	نما = ۱	بالا	۸۳	۲۰/۸	نما = ۱
جمع	۴۰۰	۱۰۰		جمع	۴۰۰	۱۰۰	
دوگانگی نقش	فراوانی	درصد	میانگین و انحراف معیار =	فرصت اجتماعی	فراوانی	درصد	
پایین	۱۲	۳	$۲/۷۱ \pm ۵۱$	پایین	۳۲۰	۸۰	میانگین و انحراف معیار = $۲/۷۶ \pm ۵۰$
متوسط	۸۹	۲۲/۳	میان = ۳	متوسط	۶۵	۱۶/۳	میان = ۳
بالا	۲۹۹	۷۴/۸	نما = ۳	بالا	۱۵	۳/۸	نما = ۳
جمع	۴۰۰	۱۰۰		جمع	۴۰۰	۱۰۰	

درصد برابر با ۱۲۷ نفر از پاسخ‌گویان، امنیت اجتماعی و اخلاقی در سطح پایین دارند و ۳۱/۵ درصد برابر با ۱۲۶ نفر در حد متوسط و ۳۶/۸ درصد برابر با ۱۴۷ نفر، امنیت اجتماعی و اخلاقی در حد بالا دارند. امنیت اجتماعی و اخلاقی بین پاسخ‌گویان، میانگین $۲/۰۵$ با انحراف معیار $۰/۸۲$ دارد. حدود $۴۲/۳$ درصد برابر با ۱۶۹ نفر از پاسخ‌گویان

طبق جدول ۹، حدود ۵۰ درصد برابر با ۲۰۰ نفر از پاسخ‌گویان از نظر سرمایه اجتماعی در بعدهای شناختی و ساختاری و ارتباطی یا به بیان دیگر، در بعدهای مشارکت - تعامل‌ها و ارتباط‌ها و اعتماد و امنیت و عامل بودن اجتماعی - در سطح پایین و ۳۴ درصد برابر با ۱۳۶ نفر در حد متوسط و ۱۶ درصد برابر با ۶۴ نفر در حد بالا هستند. حدود $۳۱/۸$

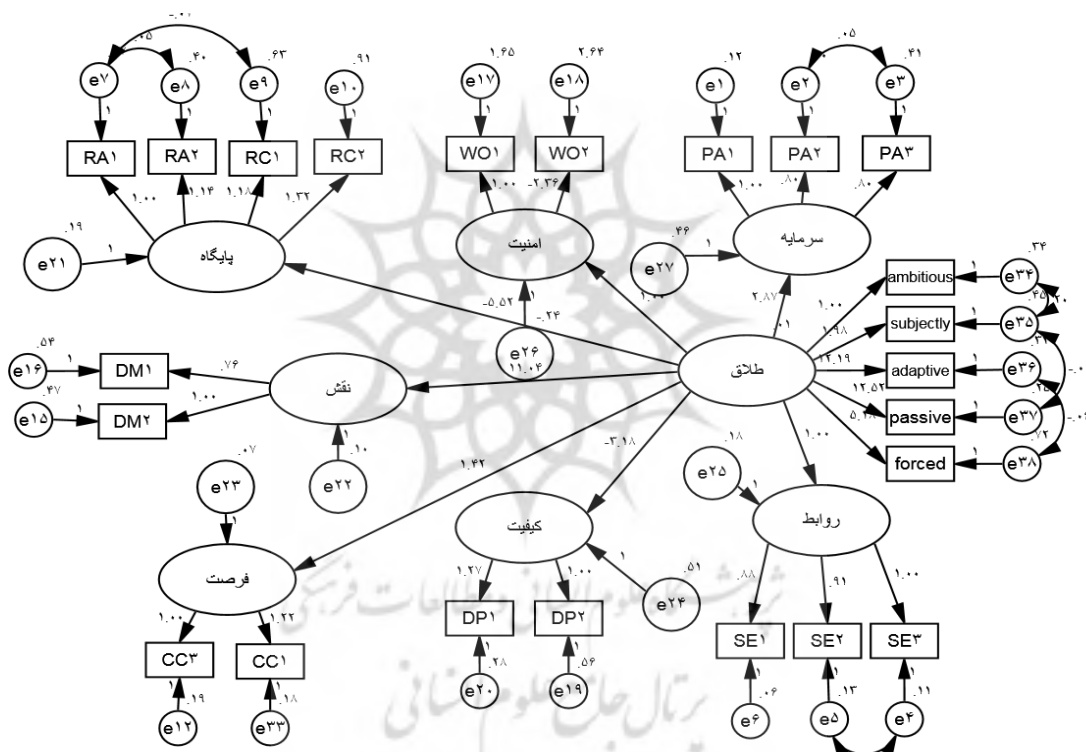
کیفیت زندگی (ازلحاظ رابطه‌های اجتماعی و محیط زندگی) در سطح پایین و ۳۷ درصد برابر با ۱۴۸ نفر در سطح متوسط و ۲۰/۸ درصد برابر با ۸۳ نفر در سطح بالا دارند. حدود ۸۸/۷۵ درصد از پاسخ‌گویان ازلحاظ رابطه‌های اجتماعی (ارتباط‌های خانوادگی، ارتباط‌های محلی و صنفی و سازمانی) در سطح پایین و ۸/۷۵ درصد برابر با ۳۵ نفر در سطح متوسط و ۳/۸ درصد برابر با ۱۵ نفر در سطح بالا هستند. حدود ۸۰ درصد از پاسخ‌گویان برابر با ۳۲۰ نفر، از نظر فرصت‌های اجتماعی (مالی و غیرمالی) در سطح پایین و ۱۶/۳ درصد در سطح متوسط و ۳/۸ درصد برابر با ۱۵ نفر در سطح

بالا هستند.

حدود ۳ درصد برابر با ۱۲ نفر از پاسخ‌گویان، دوگانگی نقش در حد پایین و ۲۲/۳ درصد دوگانگی نقش در حد متوسط و ۷۴/۸ درصد برابر با ۲۹۹ نفر، دوگانگی نقش‌های اقتصادی و اجتماعی دارند.

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول: بین طلاق عقلانی جاه‌طلبانه و پیامدهای اجتماعی آن رابطه وجود دارد.



شکل ۱ - الگوی معادله ساختاری طلاق عقلانی جاه‌طلبانه و پیامدهای اجتماعی آن

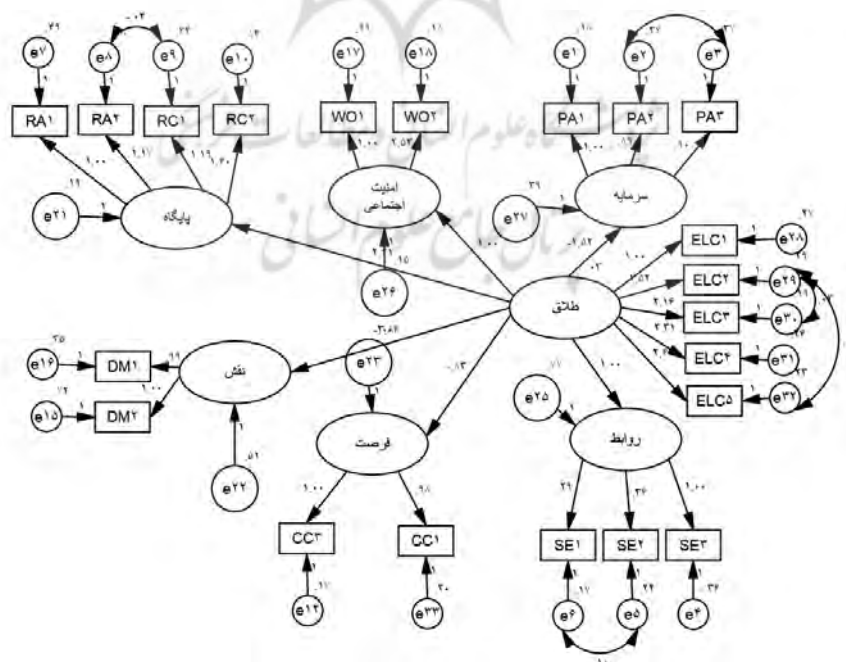
جدول ۱۰ - شاخص‌های برازش معادله‌های ساختاری

متغیر مستقل: طلاق عقلانی جاه‌طلبانه		شاخص مقتصد		شاخص تطبیقی (نسبی)	
شاخص مطلق	شاخص	شاخص	شاخص	شاخص	شاخص
سطح	ریشه	شاخص	ریشه	شاخص	شاخص
معنادار	میانگین	نیکویی	میانگین	برازندگی	نرم‌شده
ی	پس‌ماند	برازش	مربعات	فزاینده	برازندگی
	اصلاح‌شده	برازش	مقتصد	تقریب	
۰/۰۵	۶۵/۱	۰/۰۲۷	۰/۹۱	۰/۹۷	۰/۹۷
				۰/۴۱	۰/۰۷۸
				۰/۹۸	۰/۹۸

سایر شاخص‌های برازش الگو نشان می‌دهند الگوی معادله ساختاری فوق برازش نسبتاً خوبی دارد. شاخص‌های مطلق نیکویی برازش و برازش اصلاح‌شده بالای ۰/۹۱ هستند. شاخص‌های مقتصد یعنی ریشه دوم میانگین مربعات، خطای برآورد و شاخص کای اسکور نسبی کوچک‌تر ۰/۰۵، دامنه قابل قبول پایین‌تر را نشان می‌دهند و شاخص برازش تطبیقی یعنی برازندگی فزاینده و برازش تطبیقی و شاخص نرم‌شدگی برازندگی همگی بالای ۰/۹۷ هستند. شاخص‌های ارزیابی کلیت الگو در مجموع نشان می‌دهند داده‌های گردآوری‌شده، الگوی تدوین‌شده را حمایت می‌کنند؛ به عبارت دیگر، برازش داده به الگو برقرار است.

فرضیه دوم: بین طلاق عقلانی فاعلانه و پیامدهای اجتماعی آن رابطه وجود دارد.

در جدول ۱۰، شاخص‌های برازش کلی آورده شده است. درباره این شاخص‌ها باید گفت هیچ شاخص منفردی وجود ندارد که براساس آن درباره کلیت الگو قضاوت شود (قاسمی، ۱۳۸۹: ۱۹۹)؛ بلکه لازم است مجموعه‌ای از شاخص‌های تطبیقی، مطلق و مقتصد با هم در نظر گرفته شوند. نسبت کای اسکور به درجه آزادی به جهت قضاوت و حمایت از داده‌ها، شاخص مناسب‌تری است. این مقدار پذیرش برای الگو برابر با ۳/۲۵ و کمتر از مقدار مجاز است. ریشه دوم میانگین مربعات باقی‌مانده بین مقدار صفر تا یک متغیر است و از شاخص‌های برازش سطح پایین است (یعنی شاخصی که مقدار آن کوچک‌تر باشد، الگوی تدوین‌شده پذیرفتنی‌تری تلقی می‌شود)؛ دامنه کمتر از ۰/۰۸ پذیرفتنی است و کمتر از ۰/۰۵ خوب بودن الگو را نشان می‌دهد که در اینجا برابر با ۰/۰۷۸ است و در محدوده پذیرش قرار می‌گیرد.



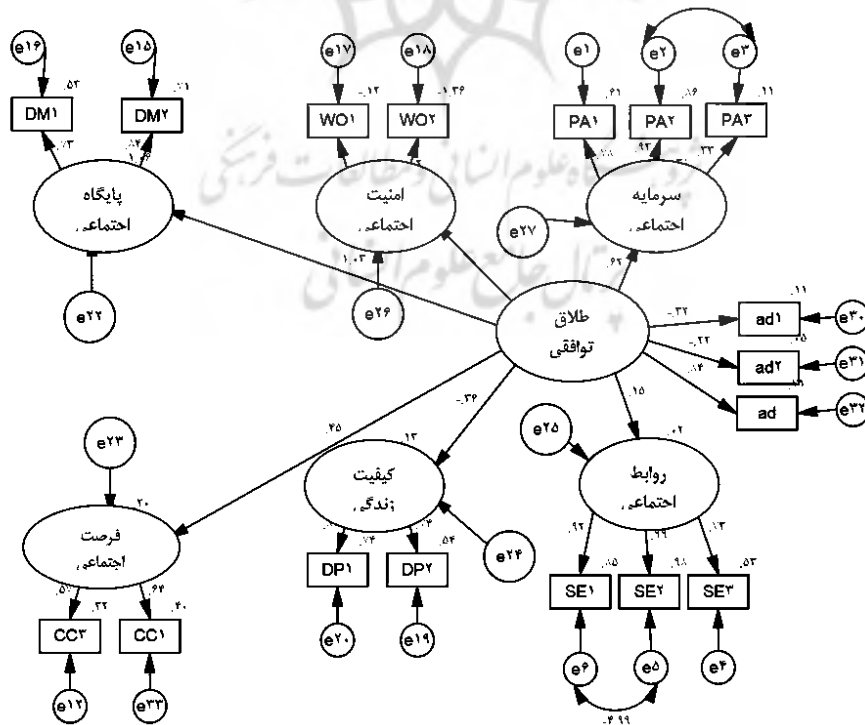
شکل ۲ - الگوی معادله ساختاری طلاق عقلانی فاعلانه و پیامدهای اجتماعی آن

جدول ۱۱ - شاخص‌های برازش معادله‌های ساختاری

متغیر مستقل: طلاق عقلانی فاعلانه			شاخص مقتصد		شاخص تطبیقی (نسبی)	
شاخص مطلق		شاخص	شاخص	ریشه	شاخص	شاخص
سطح	کای دو	ریشه	شاخص	میانگین	شاخص	شاخص
معناداری		میانگین	نیکویی	برازش	برازش	برازش
		پس ماند	برازش	هنجارشد	برازندگی	تطبیقی
		اصلاح شده	اصلاح شده	تقریب	فزاینده	
۰/۰۵	۴۲/۳	۰/۰۳۱	۰/۹۳	۰/۰۷۵	۰/۹۸	۰/۹۸
			۰/۹۷	۰/۴۵		۰/۹۷

در جدول ۱۱، نسبت کای اسکور به درجه آزادی به جهت قضاوت و حمایت از داده‌ها، شاخص مناسب‌تری است. این مقدار برای الگو برابر با ۳/۲۵ و کمتر از مقدار مجاز است. ریشه دوم میانگین مربعات باقی‌مانده بین مقدار صفر تا یک متغیر است و از شاخص‌های برازش سطح پایین است که در اینجا برابر با ۰/۰۷۵ است و در محدوده پذیرش قرار می‌گیرد. سایر شاخص‌های برازش الگو نشان می‌دهند الگوی معادله ساختاری فوق، برازش نسبتاً خوبی دارد. شاخص‌های مطلق نیکویی برازش و برازش اصلاح شده بالای ۰/۹۳ هستند.

در جدول ۱۱، نسبت کای اسکور به درجه آزادی به جهت قضاوت و حمایت از داده‌ها، شاخص مناسب‌تری است. این مقدار برای الگو برابر با ۳/۲۵ و کمتر از مقدار مجاز است. ریشه دوم میانگین مربعات باقی‌مانده بین مقدار صفر تا یک متغیر است و از شاخص‌های برازش سطح پایین است که در اینجا برابر با ۰/۰۷۵ است و در محدوده پذیرش قرار می‌گیرد. سایر شاخص‌های برازش الگو نشان می‌دهند الگوی معادله ساختاری فوق، برازش نسبتاً خوبی دارد. شاخص‌های مطلق نیکویی برازش و برازش اصلاح شده بالای ۰/۹۳ هستند.



شکل ۳ - الگوی معادله ساختاری طلاق عقلانی توافقی و پیامدهای اجتماعی آن

جدول ۱۲ - شاخص‌های برازش معادله‌های ساختاری

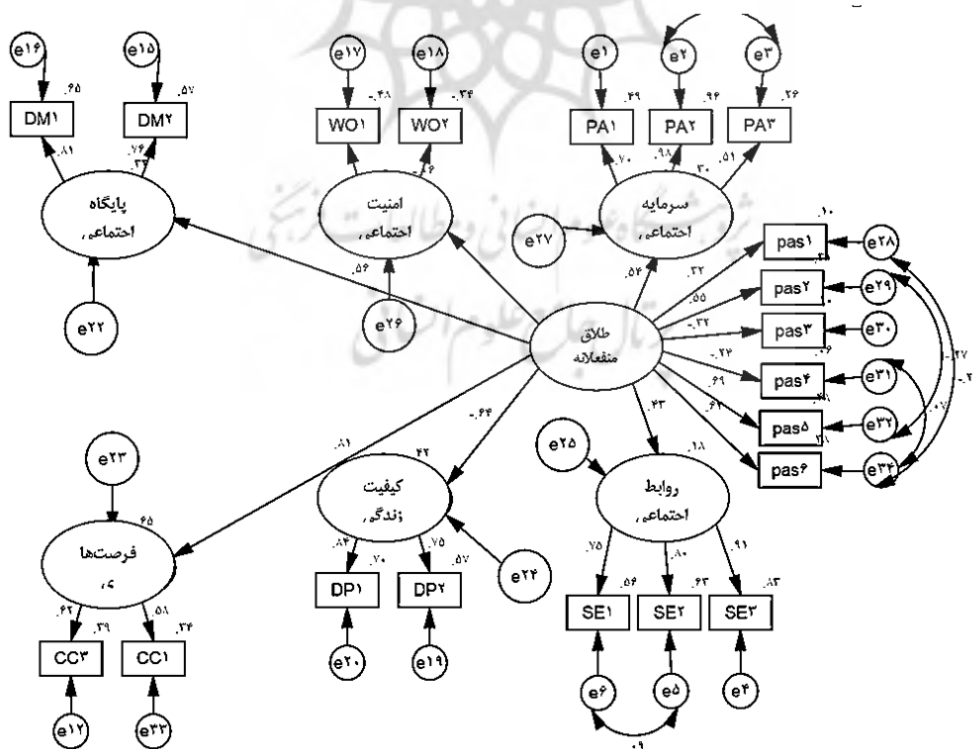
شاخص مطلق		شاخص مقصد		شاخص تطبیقی (نسبی)	
سطح معناداری	کای دو	شاخص نیکویی	شاخص نیکویی	برازش تطبیقی	برازش تطبیقی
	ریشه میانگین پس مانده	نیکویی اصلاح شده	برازش اصلاح شده	برازش تطبیقی	برازش تطبیقی
۰/۰۵	۹۷/۶	۰/۰۸	۰/۸۸	۰/۹۶	۰/۹۶

در جدول ۱۲، نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی به جهت قضاوت و حمایت از داده‌ها، شاخص مناسب‌تری است. این مقدار برای الگو برابر با ۳/۲۵ و کمتر از مقدار مجاز است. ریشه دوم میانگین مربعات باقی مانده بین مقدار صفر تا یک متغیر است و از شاخص‌های برازش سطح پایین است که در اینجا برابر با ۰/۰۸ است و در محدوده پذیرش قرار می‌گیرد. سایر شاخص‌های برازش الگو نشان می‌دهند الگوی معادله ساختاری فوق، برازش نسبتاً خوبی دارد. شاخص‌های مطلق نیکویی برازش و برازش اصلاح شده بالای ۰/۸۸ هستند.

در جدول ۱۲، نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی به جهت قضاوت و حمایت از داده‌ها، شاخص مناسب‌تری است. این مقدار برای الگو برابر با ۳/۲۵ و کمتر از مقدار مجاز است. ریشه دوم میانگین مربعات باقی مانده بین مقدار صفر تا یک متغیر است و از شاخص‌های برازش سطح پایین است که در اینجا برابر با ۰/۰۸ است و در محدوده پذیرش قرار می‌گیرد. سایر شاخص‌های برازش الگو نشان می‌دهند الگوی معادله ساختاری فوق، برازش نسبتاً خوبی دارد. شاخص‌های مطلق نیکویی برازش و برازش اصلاح شده بالای ۰/۸۸ هستند.

در جدول ۱۲، نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی به جهت قضاوت و حمایت از داده‌ها، شاخص مناسب‌تری است. این مقدار برای الگو برابر با ۳/۲۵ و کمتر از مقدار مجاز است. ریشه دوم میانگین مربعات باقی مانده بین مقدار صفر تا یک متغیر است و از شاخص‌های برازش سطح پایین است که در اینجا برابر با ۰/۰۸ است و در محدوده پذیرش قرار می‌گیرد. سایر شاخص‌های برازش الگو نشان می‌دهند الگوی معادله ساختاری فوق، برازش نسبتاً خوبی دارد. شاخص‌های مطلق نیکویی برازش و برازش اصلاح شده بالای ۰/۸۸ هستند.

در جدول ۱۲، نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی به جهت قضاوت و حمایت از داده‌ها، شاخص مناسب‌تری است. این مقدار برای الگو برابر با ۳/۲۵ و کمتر از مقدار مجاز است. ریشه دوم میانگین مربعات باقی مانده بین مقدار صفر تا یک متغیر است و از شاخص‌های برازش سطح پایین است که در اینجا برابر با ۰/۰۸ است و در محدوده پذیرش قرار می‌گیرد. سایر شاخص‌های برازش الگو نشان می‌دهند الگوی معادله ساختاری فوق، برازش نسبتاً خوبی دارد. شاخص‌های مطلق نیکویی برازش و برازش اصلاح شده بالای ۰/۸۸ هستند.



شکل ۴ - الگوی معادله ساختاری طلاق غیرعقلانی و پیامدهای اجتماعی آن

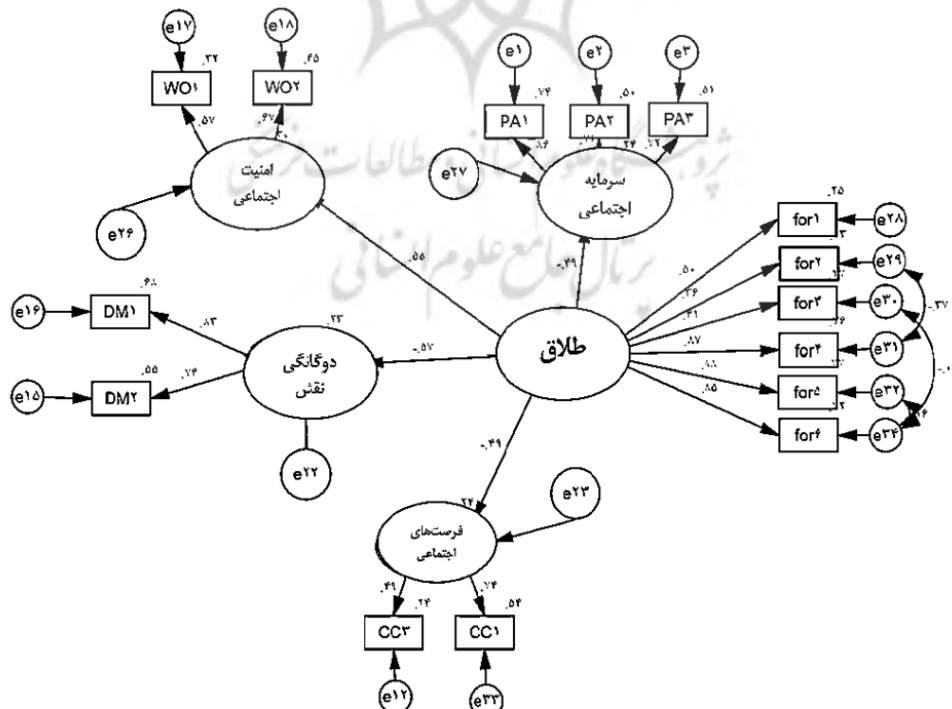
جدول ۱۳ - شاخص‌های برازش معادله‌های ساختاری

متغیر مستقل: طلاق عقلانی منفعلانه		شاخص مطلق		شاخص مقصد		شاخص تطبیقی (نسبی)		
شاخص	شاخص	شاخص	شاخص	شاخص	ریشه	شاخص	شاخص	شاخص
سطح معناداری	کای دو	ریشه میانگین پس مانده	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	شاخص نیکویی برازش	ریشه میانگین مربعات تقریب	شاخص برازندگی فزاینده	شاخص برازش تطبیقی	شاخص نرم شده برازندگی
۰/۰۵	۷۶/۵	۰/۰۷۱	۰/۸۹	۰/۹۶	۰/۴۳	۰/۰۸	۰/۹۷	۰/۹۶

برآورد و کای اسکور نسبی کوچک‌تر از ۰/۰۵، دامنه قابل قبول پایین‌تر را نشان می‌دهند و شاخص برازش تطبیقی یعنی برازندگی فزاینده و شاخص نرم‌شدگی برازندگی همگی بالای ۰/۹۶ هستند. شاخص‌های ارزیابی کلیت الگو در مجموع نشان می‌دهند داده‌های گردآوری شده، الگوی تدوین شده را حمایت می‌کنند؛ به عبارت دیگر، برازش داده به الگو برقرار است.

فرضیه پنجم: بین طلاق غیرعقلانی شتاب‌زده و اجباری و پیامدهای آن رابطه وجود دارد.

در جدول ۱۳، نسبت کای اسکور به درجه آزادی به جهت قضاوت و حمایت از داده‌ها، شاخص مناسب‌تری است. این مقدار برای الگو برابر با ۳/۲۵ و کمتر از مقدار مجاز است. ریشه دوم میانگین مربعات باقی مانده بین مقدار صفر تا یک متغیر است و از شاخص‌های برازش سطح پایین است که در اینجا برابر با ۰/۰۸ است و در محدوده پذیرش قرار می‌گیرد. سایر شاخص‌های برازش الگو نشان می‌دهند الگوی معادله ساختاری فوق برازش نسبتاً خوبی دارد. شاخص‌های مطلق نیکویی برازش و برازش اصلاح شده بالای ۰/۸۹ هستند. شاخص‌های مقصد یعنی ریشه دوم میانگین مربعات خطای



شکل ۵ - معادله ساختاری طلاق غیرعقلانی شتاب‌زده و اجباری و پیامدهای اجتماعی آن

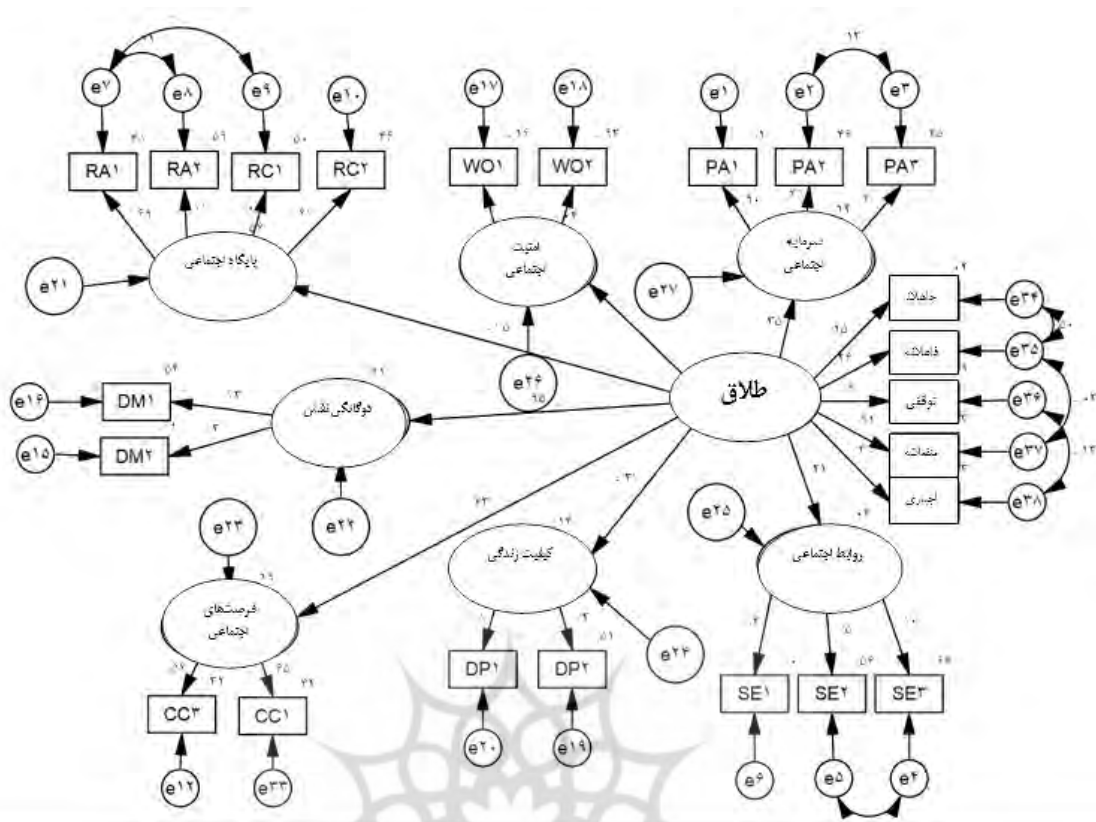
جدول ۱۴ - شاخص‌های برازش معادله‌های ساختاری

متغیر مستقل: طلاق عقلانی منفعلانه										
شاخص مطلق			شاخص مقتصد				شاخص تطبیقی (نسبی)			
سطح معناداری	کای دو	ریشه میانگین پس ماند	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	شاخص نیکویی برازش	شاخص برازش	هنجار شده مقتصد	ریشه میانگین مربعات تقریب	شاخص برازندگی فزاینده	شاخص برازش تطبیقی	شاخص نرم شده برازندگی
۰/۰۵	۴۵/۳	۰/۰۲۷	۰/۹۱	۰/۹۷	۰/۴۲	۰/۰۸	۰/۹۷	۰/۹۷	۰/۹۷	۰/۹۷

آزمون الگوی نظری پژوهش

در این قسمت متغیرهای سنخ‌شناسی و انواع طلاق با متغیرها و پیامدهای اجتماعی در ارتباط قرار گرفته است. گنجاندن سازه‌های بیش از اندازه در الگو، موجب آزمون‌ناپذیری آن می‌شود و اگر سازه‌های مهمی حذف شوند، یک الگوی نامناسب کاذب ترسیم شده است. نکته مهم آن است که الگو باید اندیشه‌ها و مفهومی نظری را به خوبی منعکس کند و بین متغیرها نیز خطی وجود نداشته باشد. باید براساس نظریه قاعده کلی در روش پژوهش، تدوین الگو و انتخاب نشانگرها برای متغیرهای پنهان را انجام داد. به عنوان یک قاعده کلی، برای یک سازه پنهان، باید نشانگرهای چندگانه وجود داشته باشد. این موضوع هم دلیل منطقی و هم دلیل آماری دارد. همچنین در الگو باید اصل اقتصاد و صرفه‌جویی نیز رعایت شود و ضرورتی ندارد که شامل هر متغیر علی، ممکن باشد.

در جدول ۱۴، نسبت کای اسکوتر به درجه آزادی به جهت قضاوت و حمایت از داده‌ها، شاخص مناسب‌تری است. این مقدار برای الگو برابر با ۳/۲۵ و کمتر از مقدار مجاز است. ریشه دوم میانگین مربعات باقی مانده بین مقدار صفر تا یک متغیر است و از شاخص‌های برازش سطح پایین است که در اینجا برابر با ۰/۰۸ است و در محدوده پذیرش قرار می‌گیرد. سایر شاخص‌های برازش الگو نشان می‌دهند الگوی معادله ساختاری فوق برازش نسبتاً خوبی دارد. شاخص‌های مطلق نیکویی برازش و برازش اصلاح شده بالای ۰/۹۱ هستند. شاخص‌های مقتصد یعنی ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد و کای اسکوتر نسبی کوچک‌تر ۰/۰۵، دامنه قابل قبول پایین‌تر را نشان می‌دهند و شاخص برازش تطبیقی یعنی برازندگی فزاینده و شاخص نرم‌شدگی برازندگی بالای ۰/۹۷ هستند. شاخص‌های ارزیابی کلیت الگو در مجموع نشان می‌دهند داده‌های گردآوری شده، الگوی تدوین شده را حمایت می‌کنند؛ به عبارت دیگر، برازش داده به الگو برقرار است.



شکل ۶- الگوی نهایی سنخ‌شناسی طلاق و پیامدهای اجتماعی آن

جدول ۱۵- شاخص‌های برازش معادله‌های ساختاری

شاخص مطلق		شاخص مقصد				شاخص تطبیقی (نسبی)		
هول	سطح	شاخص ریشه	شاخص نیکویی	شاخص نیکویی	شاخص ریشه	شاخص	شاخص	شاخص
تر	معناداری	میانگین	برازش	برازش	میانگین	برازش زندگی	برازش	نرم‌شده
		پس‌مانده	اصلاح‌شده	اصلاح‌شده	مربعات	فزاینده	تطبیقی	برازندگی
۱۲۷	۰/۰۵	۲۷۵/۷۸	۰/۹۶	۰/۸۵	۰/۹۲	۰/۹۲	۰/۹۲	۰/۸۸

در جدول ۱۵، نسبت کای اسکور به درجه آزادی به جهت قضاوت و حمایت از داده‌ها شاخص مناسب‌تری است. این مقدار برای الگو برابر با ۳/۲۵ و کمتر از مقدار مجاز است. ریشه دوم میانگین مربعات باقی‌مانده بین مقدار صفر تا یک متغیر است و از شاخص‌های برازش سطح پایین است که در اینجا برابر با ۰/۰۷ است و در محدوده پذیرش قرار می‌گیرد. سایر شاخص‌های برازش الگو نشان می‌دهند الگوی معادله ساختاری فوق، برازش نسبتاً خوبی دارد. شاخص‌های مطلق نیکویی برازش و برازش اصلاح‌شده بالای ۰/۸۵ هستند. شاخص‌های مقصد یعنی ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد و کای اسکور نسبی کوچک‌تر ۰/۰۵، دامنه قابل قبول پایین‌تر را نشان می‌دهند و شاخص برازش تطبیقی یعنی برازندگی فزاینده و شاخص نرم‌شدگی برازندگی بالای ۰/۸۸ هستند. شاخص‌های ارزیابی کلیت الگو در مجموع نشان

در جدول ۱۵، نسبت کای اسکور به درجه آزادی به جهت قضاوت و حمایت از داده‌ها شاخص مناسب‌تری است. این مقدار برای الگو برابر با ۳/۲۵ و کمتر از مقدار مجاز است. ریشه دوم میانگین مربعات باقی‌مانده بین مقدار صفر تا یک متغیر است و از شاخص‌های برازش سطح پایین است که در اینجا برابر با ۰/۰۷ است و در محدوده پذیرش قرار می‌گیرد. سایر شاخص‌های برازش الگو نشان می‌دهند الگوی معادله

غیرانسانی ایجاد می‌کند که در آن هر فرد به این می‌اندیشد که چگونه می‌تواند با ابزارهای موجود به بهترین شکل به هدف‌های خود دست پیدا کند و در این میان دیگران را نادیده بگیرد. جنبه‌هایی از عقلانی‌بودن امروزی را باید به فال نیک گرفت. این عقلانی‌بودن از این جهت به ما کمک می‌کند که تعصب‌های بیجا و غیرمنطقی را تا حدودی کم‌رنگ می‌کند. تعصب‌های نژادی، قومی و قبیله‌ای، تعصب‌های خانوادگی و ناموسی نامعقول، تعصب نسبت به اصل و نسب، اعتقادات و باورهای خرافی و... از جمله مواردی است که در گذشته منشأ اختلاف میان اعضای خانواده یا چند خانواده می‌شد و امروز به کمک عقلانی‌بودن، منطقی صحیح افراد جایگزین نقش‌های سنتی و تعصب‌های بی‌مورد می‌شود؛ البته باید این نکته را هم ذکر کرد که جامعه ما هنوز با فضای ایده‌آلی که در آن منطقی درست و گفتگوی مبتنی بر عقلانی‌بودن حاکم باشد، فاصله زیادی دارد.

تفکر غالب در چهارچوب خردگرایی مبتنی بر نظریه انتخاب عقلانی، بر عقلانی‌بودن ابزاری و منطقی نتیجه، تأکید و تمرکز می‌کند. بر پایه این رویکرد، افراد مطلقه به نتیجه انتخاب خود می‌اندیشند و با تحلیل هزینه - فایده، در عرصه زندگی تصمیم‌گیری می‌کنند. عقل ابزاری حکم می‌کند بهترین و کم‌هزینه‌ترین ابزار برای تأمین پرمفعت‌ترین هدف‌ها به کار گرفته شود. اگر انتخاب گزینه بینه به معنای عقلانی‌بودن مطلق امکان‌پذیر نباشد، انتخاب گزینه کم‌هزینه‌تر به مثابه عقلانی‌بودن محدود اجتناب‌ناپذیر است. ملاک عقلانی‌بودن، میزان موفقیت در کسب منفعت‌ها و ایجاد نتیجه‌های مطلوب است؛ پس افراد جامعه در عرصه زندگی باید در پی بیشترکردن منفعت‌ها و فرصت‌ها و کمترکردن هزینه‌ها باشند. هرچه نسبت بین منفعت‌ها و هزینه‌ها بیشتر باشد، میزان مطلوب‌بودن تصمیم‌گیری هم بیشتر است؛ چون عقلانی‌بودن به معنای بیشترکردن منفعت‌هاست. در دنیای امروزی، سوژه فردی اهمیت می‌یابد و بر آزادی‌های فردی و سوژه خودمختار تأکید می‌شود. فردگرایی به این معناست که علاقه‌ها و نیازها و هدف‌های فردی ترجیح داده می‌شوند؛ ارزش‌ها و هنجارها، مبنای فردی دارند و کسب لذت فردی

می‌دهند داده‌های گردآوری‌شده، الگوی تدوین‌شده را حمایت می‌کنند؛ به عبارت دیگر، برآزش داده به الگو برقرار است.

یافته‌ها به‌طور خلاصه

- طلاق عقلانی جاه‌طلبانه بر ارتباط‌های اجتماعی، فرصت‌های اجتماعی، امنیت اجتماعی و اخلاقی و کیفیت زندگی تأثیر مثبت و مستقیم و بر سرمایه اجتماعی، دوگانگی نقش و پایگاه اجتماعی تأثیر منفی و معکوس دارد.
- طلاق عقلانی فاعلانه بر ارتباط‌های اجتماعی، فرصت‌های اجتماعی و پایگاه اجتماعی، تأثیر منفی و معکوس و بر سرمایه اجتماعی، امنیت اجتماعی و اخلاقی و دوگانگی نقش تأثیر مثبت و مستقیم دارد.
- طلاق عقلانی توافقی بر ارتباط‌های اجتماعی، فرصت‌های اجتماعی و کیفیت زندگی، تأثیر منفی و معکوس و بر سرمایه اجتماعی، امنیت اجتماعی و اخلاقی و دوگانگی نقش، تأثیر مثبت و مستقیم دارد.
- طلاق عقلانی منفعلانه بر ارتباط‌های اجتماعی متمرکز، فرصت‌های اجتماعی و کیفیت زندگی، تأثیر مثبت و مستقیم و بر سرمایه اجتماعی، امنیت اجتماعی و اخلاقی و دوگانگی نقش، تأثیر منفی و معکوس دارد.
- طلاق غیرعقلانی شتاب‌زده و اجباری بر فرصت‌های اجتماعی، تأثیر منفی و معکوس و بر سرمایه اجتماعی، دوگانگی نقش و امنیت اجتماعی و اخلاقی، تأثیر مثبت و مستقیم است.

نتیجه

یکی از مسئله‌هایی که در تغییر خانواده ایرانی مؤثر بوده است، تأثیرپذیری بعدهای مختلف جامعه و به‌ویژه نهاد خانواده از امروزی شدن است. شاخصه‌های اصلی امروزی شدن مواردی مانند عقلانی‌بودن، فردگرایی و نقد سنت‌اند که در این حوزه تغییرهایی در خانواده ایرانی اتفاق افتاده است. عقلانی‌بودنی که دنیای امروزی با خود آورده است، فضایی منفعت‌طلبانه و

نتیجه‌های پژوهش‌های آقایی و همکاران (۱۳۸۸)،
مرقاتی‌خویی و همکاران (۱۳۹۲)، Dunning et al, 2006،
همخوان است.

نتیجه‌های به‌دست‌آمده درباره کاهش سرمایه اجتماعی با
نتیجه‌های پژوهش‌های خزانی (۱۳۸۸) و حسینی (۱۳۸۶)
همخوان است.

نتیجه‌های به‌دست‌آمده درباره کاهش امنیت اجتماعی و
اخلاقی با نتیجه‌های پژوهش‌های گیدنز (۱۳۸۶)،
صادقی‌فسایی و ایشاری (۱۳۹۲) و Sylvester & Morss, 2002
همخوان است و از نظریه آنان حمایت می‌کند. از تجربه‌های
مشترک زنان پس از جدایی، احساس ناامنی است که به‌دلیل
پیشنهاد‌های مردان اطراف درباره ازدواج مجدد - آن هم
به‌صورت غیردائم - صورت می‌گیرد. پس از گذشت مدت
زمانی از طلاق، از سویی فشار تنهایی، مالی، فرهنگ و... گاه
زن را مجبور به داشتن مردی می‌کند که اصطلاحاً سایه‌اش
بالای سر زن باشد. از سوی دیگر، پیشنهاد‌های مردانی که
به‌دنبال ارتباط با زنانند، فراتر از آنکه امنیت روحی و روانی
زن را به هم می‌ریزد - چه به عقد موقت تن بدهد چه ندهد
- آسیب‌های ارتباطی و جدیدی را برای او ایجاد می‌کند.

نتیجه‌های به‌دست‌آمده درباره کاهش پایگاه اجتماعی با
نتیجه‌های پژوهش‌های Bowman, 2007، Schalkwyk, 2005،
Wallerstein & Blackeslee, 2004، توسلی و موسوی (۱۳۸۲) و
بابایی (۱۳۸۰) همخوان است. نخستین پیامدی که زن پس از
طلاق تجربه می‌کند، ازدست‌دادن پایه‌های هویت و منزلت
اجتماعی است. به‌ویژه موقعیت یک زن مطلقه در ذهن دیگران
و در فرهنگ ایران، عموماً با تزلزل و نوعی تردید روبه‌روست؛
حتی اگر زن تحصیلات، موقعیت اجتماعی و... داشته باشد،
معمولاً هویت او به نسبت با همسرش سنجیده می‌شود و
براساس آن قضاوت می‌شود. درباره زنانی که جدا شده‌اند نیز
در فرهنگ عامه عقیده‌ها، باورها و حتی تکیه‌کلام‌هایی وجود
دارد که موجب آزار و در هم شکسته شدن منزلت زن می‌شود.
زنان مطلقه، تهدیدی برای رابطه‌ها و زندگی خانوادگی

در اولویت است و استقلال و هویت فردی اهمیت دارد.
فردگرایی از مواردی است که خانواده ایرانی را دستخوش
تغییرهایی کرده است؛ خانواده ایرانی در ذات خود
جمع‌گراست و در بطن خود تلاش می‌کند مصلحت‌های
جمعی و فردی را در کنار هم در نظر بگیرد و حتی در
مواردی مصلحت‌های جمعی را به مصلحت‌های فرد ترجیح
دهد؛ اما تأکید بیش از حد بر آزادی‌های فردی و فردمحوری
سبب می‌شود نوعی خودخواهی و منفعت‌طلبی حاکم شود. در
فضای خانواده سنتی، تعصب‌ها و باورهای وجود داشت که
بیشتر موجب دوری افراد از یکدیگر می‌شد تا نزدیکی آنها.
اگر نقد سنت‌ها منطقی و بر پایه استدلال باشد، خوب است؛
اما اگر قرار باشد این نقدها تا جایی پیش رود که به طور کلی
خانواده را بازخواست کند، نقدی افراطی و غیرواقعی است؛
زیرا با واقعیت‌های جامعه ما سازگاری و همخوانی ندارد. ما
امروز در جامعه شاهد مواردی چون بالارفتن سن ازدواج،
تن‌ندادن برخی جوانان به ازدواج و تمایل نداشتن برخی به
فرزندآوری هستیم؛ از سوی دیگر، تمایل به مستقل
زندگی کردن و اهمیت قائل شدن بیش از اندازه برای جایگاه
دوستان، مشکلی است که نقد افراطی این دسته نسبت به
ارزش‌های خانوادگی را نشان می‌دهد و تعدیل دیدگاه‌های
آنها ضروری است.

نتیجه‌های به‌دست‌آمده درباره کاهش ارتباط‌های اجتماعی
با نتیجه‌های پژوهش‌های محبی (۱۳۹۰)، صادقی‌فسایی و
ایشاری (۱۳۹۲)، Wallerstein & Blakeslee, Groeneu, 2005؛
Molina, 2004؛ Kalmijn & Broese Van Dunning et al; 2006
؛ 2000 همخوانی دارد.

نتیجه‌های به‌دست‌آمده درباره کاهش فرصت‌های اجتماعی
با نتیجه‌های پژوهش‌های محبی (۱۳۹۰)، زهرکش فریمانی
(۱۳۹۱)، زارعی و همکاران (۱۳۹۳)، صادقی‌فسایی و ایشاری
(۱۳۹۲)، حسینی و همکاران (۱۳۹۲)، Wickrama et al؛
Molina, 2000. Booth & Amato, 1991. Kitson 1992.2006،
همخوان است.

نتیجه‌های به‌دست‌آمده درباره کاهش کیفیت زندگی با

مانند وبر، عقلانی‌بودن کنش را بیشتر به دنبال شناخت‌های «فاعل» کنش تعریف کرد تا به دنبال شناخت «ناظر» کنش؛ یعنی ملاک عقلانی‌بودن طلاق را براساس تفسیرهای خود فاعلان اجتماعی در نظر گرفت. از این منظر کنشی عقلانی است که افراد آن را عقلانی بخوانند و در آن، با به‌کاربردن ابزار و وسیله‌های مناسب، به دنبال هدفی خاص یا سود و منفعت (نه لزوماً مادی) خود باشند و به اثرهای فعلشان آگاه باشند. بسیاری از کنشگرانی که طلاق عقلانی را از سر گذرانده‌اند، مدت زمان زیادی را پیش از آن، صرف توجه به آن اقدام و پیامدهای آن کرده‌اند و آمادگی لازم برای روبه‌روشدن با پیامدهای پس از آن را در خود پرورش داده‌اند. آنها در واقع به انجام کنش عقلانی معطوف به هدف دست زده‌اند و بیشتر، هدفشان بهبود کیفیت زندگی‌شان بوده است. به همین دلیل بیشتر افرادی که در این سنخ طلاق قرار می‌گیرند (به‌استثنای گروه طلاق شتاب‌زده)، عامل‌بودنی قوی در به‌انجام‌رساندن طلاق از خود نشان می‌دهند؛ زیرا طلاق را رخدادی معقول و مفید می‌دانند و آن را همچون راه‌حل یا ابزاری برای بیرون‌رفتن از وضعیت نامناسب ازدواجشان به کار می‌برند.

از این رو، سوژه‌هایی که با عامل‌بودن مضاعف تصمیم به طلاق عقلانی فاعلانه گرفته‌اند، عموماً به دلیل بهبود کیفیت زندگی‌شان پس از طلاق، گرایش‌های ذهنی مثبتی را درباره طلاق گزارش کرده‌اند؛ زیرا از نگاه آنها طلاق بیش از آنکه شکست باشد، راهکار است. سوژه‌هایی که به شیوه‌های فاعلانه برای طلاق اقدام کرده‌اند، علت‌های جدی و دلیل‌های اساسی را برای طلاق خود برمی‌شمارند. برای آنها پذیرش طلاق و سازگاری با زندگی پس از آن با آسانی بیشتری روی می‌دهد؛ زیرا طرف مقابل را مقصر اصلی وقوع طلاقشان می‌دانند.

در کل نتیجه‌های پژوهش نشان می‌دهند طلاق‌های عقلانی ممکن است پیامدهای اجتماعی کم‌خطری برای فاعلان کنش داشته باشند؛ بدین معنی که طلاق‌های غیرعقلانی شتاب‌زده و

دوستان و خویشان محسوب می‌شوند و این نگاه آنان را منزوی و تنهاتر خواهد کرد. در مجموع، ازدست‌دادن حمایت‌های اجتماعی، انزوا، کاهش و کوچک‌شدن رابطه‌های اجتماعی، احساس ناامنی، طردشدن، نگرش اخلاقی منفی جامعه، برچسب‌های اجتماعی، بازخوردهای منفی دیگران، آزار و خشونت آشکار و پنهان جنسیتی و... از آسیب‌هایی است که به‌ویژه زنان بعد از طلاق در اجتماع تجربه می‌کنند.

نتیجه‌های پژوهش‌های حسنی و همکاران (۱۳۹۲)، Molina, Booth & Amato, 1991, Wickrama et al; 2006, 2000. صادقی فسایی و ایثاری (۱۳۹۲) همخوان است. مسئولیت‌های زنان پس از طلاق در بعدهای مختلف افزایش می‌یابد؛ به‌ویژه در صورتی که مسئولیت فرزندان با زن باشد، تأمین نیازهای مالی و روحی فرزندان، مسئولیت بیشتری بر دوش او خواهد بود. از آنجا که طلاق، چالش‌های اقتصادی بسیاری همچون ازبین‌رفتن اشتراک‌های مالی در مسکن، هزینه‌های زندگی، تفریح‌ها و حتی تغذیه را بر زندگی زنان دارد، گاه موجب عمیق‌شدن فقر، میان‌زنان مطلقه می‌شود و همین امر مسئولیت زن را افزایش می‌دهد و او را به کارکردن در بیرون از خانه و پذیرفتن شغل‌هایی وادار می‌کند که عموماً از نظر اجتماعی و درآمد مناسب نیستند. زنانی که در سن‌های بالاتر طلاق می‌گیرند، به دلیل نداشتن توانایی در کارکردن، مشکل‌های بیشتر اقتصادی یا وابستگی به دیگران خواهند داشت که همین امر آسیب‌های روحی و اجتماعی جدی‌تری به آنان وارد می‌کند.

در زمینه طلاق، آگاهی کامل از پیامدهای کنش، به‌ویژه در عصر پرمخاطره امروز، تقریباً امکان‌پذیر نیست؛ اما مطابق جهت‌گیری سوژه در برابر طلاق و آمادگی عقلانی‌اش برای خروج از رابطه و فراهم‌کردن زمینه‌های آن، تاحدی ادعای احاطه و شناخت کنشگران از پیامدهای کنش راحت‌تر پذیرفته می‌شود؛ هرچند آنچه بیشتر بر آن تأکید می‌شود، همان «مبنای کنش» فرد در هنگام طلاق است نه نتیجه‌های آن. باید

زمینه‌هایی را فراهم کند تا آنها در موقعیت استرس‌آور و بحران‌زا بهتر عمل کنند و راه‌حل‌های مناسب را برای کاهش مشکل‌های خود بیابند.

اشتغال زنان مطلقه مبتنی بر قابلیت‌ها نیست. نگاه حاکم بر جامعه به گونه‌ای شده است که زنان مطلقه به صورت خودکار به سمت فقر رانده می‌شوند و به شغل‌هایی مانند خیاطی، بسته‌بندی حبوبات و... رو می‌آورند؛ بنابراین از یک سو کسانی هستند که باید برای زندگی بزرگ‌سالی آموزش ببینند و با وضع موجود تغییری در زندگی آنها حاصل نمی‌شود. از سوی دیگر کسانی هستند که درگیر این مسئله شده‌اند و برنامه مدونی برای آنها وجود ندارد. باید برای تغییر نگاه به این زنان برنامه‌ریزی شود تا نگاه جامعه، به آسیمی که این افراد با آن درگیرند، چیزی اضافه نکند. اگر قرار است برای این قشر کارآفرینی در نظر گرفته شود، باید از نگاه سنتی فاصله گرفت و آموزش‌های کارآمدتری به آنها داد. باید برای شناسایی قابلیت‌های زنان مطلقه تلاش کرد تا یک توان‌افزایی واقعی در زندگی این افراد صورت بگیرد. نشان دادن این افراد پشت چرخ خیاطی یا پرداخت‌های ماهیانه به این قشر کمکی نخواهد کرد.

این پژوهش این نکته را نیز ثابت کرد که نمونه مورد بررسی، میانگین سنی ۳۸ سال با انحراف معیار ۱۱ سال دارند که در شرایط بحرانی غریزه‌های جنسی قرار گرفته‌اند؛ بنابراین برنامه‌ریزی درباره ازدواج مجدد زنان مطلقه با در نظر گرفتن بسته‌های تشویقی مناسب (پرداخت‌های بلاعوض، کمک به خرید مسکن، کمک در پرداخت تأمین اجتماعی، ارائه سرانه‌های آموزشی دانش‌آموزان و دانشجویان، ایجاد شغل برای زنان مطلقه و همسران آنان، ارائه آموزش‌های لازم در جهت پایداری ازدواج مجدد) در جهت جلوگیری از بروز انحراف‌ها و آسیب‌های اجتماعی (ازدواج موقت، خودفروشی و...) امری است که بر آن تأکید می‌شود. در همین زمینه احیای نهادهای واسط ازدواج ضروری است که نقش افراد معتمد و بزرگان فامیل را اجرا کنند.

زنان مطلقه به دلیل زن بودن و فقیر و بی‌سرپرست بودن، از

اجباری پیامدهای پرخطری را برای افراد مطلقه ایجاد می‌کنند؛ زیرا خود افراد در طلاق تصمیم‌گیرنده نبوده‌اند یا بدون تفکر و تعقل نسبت به پیامدهای اجتماعی طلاق اقدام کرده‌اند. طلاق‌های عقلانی فاعلانه، توافقی، جاه‌طلبانه و منفعلانه با توجه به تفسیری که افراد از رفتار خود برای جدایی و طلاق دارند، به مراتب سازگاری بیشتری با محیط زندگی خود دارند و پیامدهای اجتماعی کمتری را متحمل می‌شوند. این نتیجه‌ها با نتیجه‌های مقاله‌های صادقی‌فسایی و ایثاری (۱۳۹۲) و (۱۳۹۱) همخوانی دارد. در این پژوهش‌ها به روش کیفی به سنخ‌شناسی طلاق پرداخته شده است و پیامدهای هر کدام از انواع طلاق نیز بررسی شده است.

نتیجه‌های پژوهش حاضر نشان داد بیشتر افراد مورد مطالعه، بی‌سواد یا کم‌سواد بوده‌اند (۵۲٪ تحصیلات زیر سطح متوسطه) و شغل و منبع درآمد (۵۹/۲۵٪ بدون شغل) مشخصی نداشته‌اند. این ویژگی‌ها از مهم‌ترین مانع‌های ایجاد تحول و پیشرفت‌های اجتماعی - اقتصادی در سطح فردی و نیز از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌رو در برنامه‌های فقرزدایی است؛ بر این اساس، توجه به سرمایه‌های غیرمادی یعنی سرمایه اجتماعی، ابزار مفیدی در کاهش اثرهای فردی و اجتماعی به‌دست‌آمده از کاستی‌ها و کمبودهای ذکرشده خواهد بود. همچنین تکیه به سرمایه‌های مادی در جهت ایجاد خوداشتغالی (با در نظر گرفتن سلیقه‌ها و علاقه‌ها و توانمندی‌های فردی و بازاریابی محلی و فرامحلی) برای زنان مطلقه ضروری است. توانمندسازی فرهنگی زنان مطلقه نیز امری است که بر آن تأکید می‌شود.

در حال حاضر کشور ما با بحران اشتغال روبه‌روست و آسیب‌های اجتماعی آن انکارناپذیر است و صد البته زنان مطلقه، بیش از سایر قشرهای جامعه در معرض اینگونه آسیب‌ها قرار دارند. بررسی عمیق این نتیجه، موضوع سودآموزی حرفه‌ای را برای این گروه مطرح می‌کند. وظیفه دولت است که با آموزش مهارت‌ها و توانمندی‌های فردی و اجتماعی به زنان مطلقه در دوره‌های سودآموزی حرفه‌ای،

بهره‌بردن آنها مهیا کرد. همچنین با تأسیس مراکزهای مشاوره و ارائه خدمات‌های فرهنگی، اجتماعی و آموزشی به آنها از طریق مددکاران اجتماعی، زمینه کاهش آسیب‌پذیری مؤلفه‌های فوق در آنان فراهم می‌شود.

با توجه به اینکه طلاق بر دوگانگی نقش‌های اقتصادی و اجتماعی زنان مطلقه تأثیرگذار است و بین کار و خانواده تعارض ایجاد کرده است، ارائه برنامه‌های لازم آموزشی برای غنی کردن اوقات فراغت فرزندان طلاق در سن‌های متفاوت امری لازم و ضروری است؛ بنابراین ایجاد تفاهم‌نامه بین نهاد خدمت‌رسان و سازمان‌ها و مؤسسه‌های آموزشی دولتی و غیردولتی در جهت ارائه خدمات‌های آموزشی و فرهنگی برای پرکردن خلأ نبود پدر خانواده، پیشنهاد می‌شود.

مطابق قانون، فرزندان دختر و پسر تا سن هفت سالگی با مادر خود زندگی می‌کنند. در حالی که مسئولیت تأمین اقتصادی فرزندان به عهده پدر است، نفقه تعیین شده برای فرزندان معمولاً کفاف خرج‌های آنها را نمی‌دهد. در بیشتر موارد مردان از دادن نفقه فرزندان به همسر طلاق‌گرفته خودداری می‌کنند و همچنین پدرانی هستند که پس از هفت سالگی حاضر نیستند فرزندان را نزد خود نگه دارند و تمایل دارند آنها را بازگردانند. این پدران مجدد ازدواج می‌کنند و مسئولیت فرزندان با مادر باقی می‌ماند؛ بنابراین مسئله معیشت این زنان از جمله معضل‌های جدی آنان است. بخش بزرگ آسیب‌ها در سال‌های آینده، زمانی بروز می‌کند که فرزندان این زنان به سن بلوغ، اشتغال و ازدواج خواهند رسید. لازم است از طریق قوه یک قانون‌گذار، برای زنان سرپرست خانوار به‌ویژه زنان مطلقه پرداخت مستمری هم‌تراز با پایین‌ترین سطح درآمد قانون اداره کار به‌صورت ماهیانه در نظر گرفته شود.

حضورنداشتن پدر در خانواده به‌عنوان تکیه‌گاه دختران و الگوی لازم برای تبدیل شدن پسران به مرد، مشکل‌های هویتی بی‌شماری برای آنان ایجاد خواهد کرد؛ بنابراین مسئولان باید برنامه‌ریزی لازم کوتاه‌مدت و بلندمدت را در این زمینه انجام دهند و با تأکید بر نقش مددکاران خانواده، مسئله‌های خانواده‌های مطلقه را پیگیری کنند.

ارتباط‌ها و تعامل‌ها و حضور در شبکه‌های اجتماعی طرد شده‌اند. این مسئله، شانس دریافت حمایت‌های اجتماعی را برای این زنان کاهش می‌دهد. از طرفی، بسیاری از این زنان به دلیل فرهنگ غلط جامعه، تعامل‌های خود را با شبکه‌های اجتماعی بسیار محدود کرده‌اند؛ به طوری که ارتباط‌های اجتماعی در تبیین سرمایه اجتماعی آنان، درصد ضعیفی دارد. این موضوع از آسیب‌پذیرترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی زنان مطلقه محسوب می‌شود. ضعف این مؤلفه، در کمترین حد سبب به‌هم‌خوردن تعادل روانی این زنان خواهد شد که به دنبال آن، فرزندان آنان نیز متحمل فشارهای روانی و آسیب‌های اجتماعی بسیاری خواهند شد. انجام اقدام‌های اساسی برای ایجاد بسترهای مناسب و فرهنگ‌سازی در تغییر فکرهای عمومی نسبت به حضور زنان مطلقه در اجتماع ضروری است.

سطح مشارکت اجتماعی بین زنان مطلقه در حد مطلوبی نیست؛ بنابراین ایجاد پستوانه‌ای مهم و معتبر برای تشکیل و تقویت گروه‌های محلی و خودیار برای آنان ضروری است. تأسیس صندوق اعتبارهای خرد زنان مطلقه در نقش تشکلی اقتصادی - اجتماعی برای توانمندسازی اقتصادی، اجتماعی و تقویت مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی از جمله این گروه‌هاست.

نتیجه‌های پژوهش نشان‌دهنده این است که درصد تبیین مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی و شناخت ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی، میان زنان مطلقه ضعیف است و باید در این زمینه پژوهش‌های بیشتری انجام شود. در تعیین اولویت و سلسله‌مراتب اهمیت مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، اعتماد از مهم‌ترین آنهاست و غالباً در صدر فهرست اهمیت این عامل‌ها قرار دارد. زنان مطلقه بیش از هر آموزشی به تزریق اعتماد به نفس، شناخت توانایی‌های نهفته خود، تقویت خودباوری و توانایی کسب اعتماد از افراد در شبکه‌های اجتماعی نیاز دارند. با فراهم کردن بستر اجتماعی مساعد برای حضور آنان در جامعه به‌همراه تأمین امنیت اجتماعی، باید زمینه رشد اعتماد اجتماعی را برای کسب سرمایه بیشتر و

تجربه مداوم فقر و تغییر نکردن کیفیت زندگی، تأثیر مخربی بر تصویر فرزندان از زندگی و برنامه‌شان برای آینده می‌گذارد و ناکامی تحصیلی، ترک تحصیل جهت مشغول شدن به کار و کمک به تأمین خرج‌های زندگی، ازدواج زودهنگام دختران و تکرار چرخه طلاق در آنان، از جمله آسیب‌هایی است که فرزندان این قبیل خانواده‌ها با آنها درگیر می‌شوند؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود در نهادهای حمایتی، پست کارشناس بررسی مسئله‌های زنان بی‌سرپرست و به‌ویژه زنان مطلقه ایجاد شود.

با توجه به اینکه نتیجه‌های پژوهش نشان داده است زنان مطلقه امنیت اجتماعی و اخلاقی در سطح پایینی دارند، پیشنهاد می‌شود جلسه‌های آموزشی آگاه‌سازی آنان درباره تهدیدهای کلامی و غیرکلامی و ناامنی‌های اخلاقی و اجتماعی با حضور مسئولان مربوط در این زمینه تشکیل شود.

منابع

- آرون، ر. (۱۳۷۷). *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه: باقر پرهام، تهران: فرانکلین.
- آقایی، الف؛ کجباف، م. و کامکار، م. (۱۳۸۸). «مقایسه کیفیت زندگی و ابعاد آن در زنان مطلقه و غیرمطلقه و رابطه آن با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی در شهر شیراز»، *فصلنامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، د ۱۱، ش ۴۱، ص ۸۲-۶۱.
- آگبرن، و. و نیمکف، م. (۱۳۵۰). *زمینه جامعه‌شناسی*، تهران: فرانکلین.
- بابایی، ف. (۱۳۸۰). *تعدیل ساختاری فقر و ناهنجاری‌های اجتماعی*، تهران: کویر.
- بودون، ر. (۱۳۶۴). *منطق اجتماعی*، ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: مروارید.
- بیرو، آ. (۱۳۷۰). *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
- پروین، س. (۱۳۹۱). *مطالعه جامعه‌شناختی آسیب‌پذیری کارگران مهاجر فصلی در شهر تهران*، پایان‌نامه

دکتری دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. *تامین، م.* (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی نظری و کاربردی*، ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: توتیا.

توسلی، غ. و موسوی، م. (۱۳۸۲). «سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی»، *نامه علوم اجتماعی*، س ۸۲، ش ۲۶، ص ۱-۳۲.

خدیو، ا. و علی، ح. (۱۳۸۶). «بررسی وضعیت کیفیت زندگی کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز»، *فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت بهره‌وری*، د ۱، ش ۲، ص ۱۷۲-۱۵۰.

خزانی، ک. (۱۳۸۸). *بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و نگرش زنان نسبت به طلاق*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.

حسینی، ر.؛ قدرتی، ح. و امیرپور، م. (۱۳۹۲). «پیامدهای طلاق برای زنان مطلقه شهر مشهد (یک پژوهش کیفی)»، *مطالعات علوم اجتماعی ایران*، س ۱۰، ش ۴۲، ص ۳۳-۴۹.

حسینی، ح. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی نظام‌گسیختگی خانواده و طلاق*، تهران: سلمان.

دوس، د. الف. (۱۳۷۶). *روش پیمایشی در پژوهش اجتماعی*، ترجمه: مریم رفعت‌جاه و رخساره کاظم، تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.

رجبی‌پور، م. (۱۳۸۲). «درآمدی بر احساس امنیت در بستر امنیت عینی»، *فصلنامه دانش انتظامی*، س ۵، ش ۲، ص ۷-۲۸.

زارعی، ف.؛ صلحی، م.؛ تقدیسی، م.؛ کمالی، ح.؛ شجاعی‌زاده، د.؛ نجات، س. و مرقاتی‌خویی، ع. (۱۳۹۳). «درک تجارب پس از طلاق در زنان (یک پژوهش کیفی)»، *مجله علوم پزشکی رازی*، د ۲۱، ش ۱۲۴، ص ۳۶-۲۲.

زهرکش فریمانی، ز. (۱۳۹۱). *پیامدهای اجتماعی طلاق بر*

- McGraw-Hill.
- Booth, A. & Amato, P. (1991) "Divorce and Psychological Stress." *Journal of Health & Social Behavior*, 32(4): 396-407.
- Bowman, Sh. (2007) "Low Economic Stature Is Associated with Suboptimal Intakes of Nutritious Foods by Adults in the National Helth and Nutrition Examination Survey 1999-2002". *Nutrition Research*, 27(9): 511-523.
- Brown, P. & Manela, R. (1978) "Changing Family Rols: Women and Divorce. Divorce." *Journal of Divorce*, 1: 315-328.
- Davis, B. & Aron, A. (1988) "Perceived Causes of Divorce and Post- Divorce Adjustment among Recently Divorced Midlife Women." *Journal of Divorce*, 12: 41-55.
- Dunning, H. Janzen, B. Williams, A. Abonyi, S. Jeffery, B. Rondall, E.J. Holden, B. Labonte, R. Muhajarine, N. Klein, G. & Carr, T. (2006) "A Gender Analysis of Quality of Life in Saskatoon, Saskatchewan." *Geo Journal*. 65(4): 393-407.
- Fincham, F.D. (2004) "Forgiveness and Conflict Resolution in Marriage." *Journal of Family Psychology*, 18(1): 72- 81
- Gonzalez, L. & Vittanen Tarja, K. (2009) "The Effect of Divorce Laws on Divorce Rates in Europe." *European Economic Review*, 53 (2): 127-138.
- Hall, D. R. & Zhao, J. Z. (1995) "Cohabitation and Divorce in Canada: Testing the Selectivity Hypothesis." *Journal of Marriage & Family*, 57 (2): 421-427.
- Kalmijn, M. & Broese Van Groenou, M.I. (2005) "Differential Effects of Divorce on Social Integration." *Journal of Social and Personal Relationships Document Version*, 22: 455-467.
- Kitson, G. C. (1992) *Portrait of Divorce: Adjustment to Marital Breakdown*, New York: Guilford Press.
- Krumrei, E. J. (2009) "A Longitudinal Analysis of The Role of Religious Appraisals and Religious Coping in Adults, Adjustment to Divorce." *Electronic Thesis or Dissertation*, London: Bowling Green State University.
- Lin, N. (2001) *Social Capital: A Theory of Social Structure and Action*. Cambridge: University Press.
- Mattoo, N.H. & Ashai, Y. (2012) "A Study on Impact of Divorce upon the Attitude and Social Relations of Women in Srinagar District." *Journal Studies on Home and Community Science*, 6(2): 113-120.
- Mitchell, R. Busenitz, L. Bird, B. Gaglio, C. Zanan مطلقه مشهد، مشهد: مدرسه علمیه حضرت رقیه (س).
- صادقی فسایی، س. و ایثاری، م. (۱۳۹۱). «تحلیل جنسیتی از زندگی پس از طلاق (مطالعه کیفی)»، زن در توسعه و سیاست، د ۱۰، ش ۳، ص ۳۰-۵.
- صادقی فسایی، س. و ایثاری، م. (۱۳۹۲). «مطالعه جامعه‌شناختی سنخ‌های طلاق»، مسائل اجتماعی ایران، س ۶، ش ۱، ص ۱۵۶-۱۳۱.
- عنایت‌زاده، ل. و قاضی‌زاده طباطبایی، م. (۱۳۹۲). «تجربه زیسته زنان مطلقه کرد، فرایندها و چالش‌های آنان در شهرستان سقز»، نشریه زن در فرهنگ و هنر، د ۵، ش ۳، ص ۳۹۶-۳۷۳.
- قاسمی، و. (۱۳۸۹). *مدل‌سازی معادله ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد ایموس*، تهران: جامعه‌شناسان.
- کرایب، ی. (۱۳۸۲). *نظریه‌های جامعه‌شناسی کلاسیک*، ترجمه: شهناز مسمی پرست، تهران: آگه.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- محبی، ف. (۱۳۹۰). «تبیین جامعه‌شناختی طلاق»، در عنوان سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده، تهران: دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی، ص ۹۸۴-۹۶۱.
- مرفقاتی خویی، ع.؛ زارعی، ف.؛ تقدیسی، م.؛ رجعتی، ف. و رحمانی، الف. (۱۳۹۲). «طلاق از دیدگاه زن مطلقه (پژوهش کیفی)»، *مجله پژوهش‌های کیفی در علوم سلامت*، س ۲، ش ۳، ص ۲۴۷-۲۳۴.
- مک‌کارتی، ج. و روزالیند، الف. (۱۳۹۰). *مفاهیم کلیدی در مطالعات خانواده*، ترجمه: محمدمهدی لیبی، تهران: علم.
- Ambert, A. M. (1982) "Drug Use in Separated Divorced Persons Gender Parental Status and Socip Economic Status". *Social Science & Medicine*, 16: 971-976.
- Baker, T. L. (1988) *Doing Social Research*, New York:

- McMullen, J. Morse, E. J. & Brock Smith, J. (2007) "The Central Question in Entrepreneurial Cognition Research: Assessing Entrepreneurial Cognitions Across Cultures." in: *Entrepreneurship: Theory & Practice*, 31(1): 1-27.
- Molina, O. (2000) "African American Women's Unique Divorce Experiences." *Journal of Divorce & Remarriage*, 32(3, 4): 93-99.
- Onyx, J. & Bullen, P. (2000) "Measuring Social Capital in Five Communities." *The Journal of Applied Behavioural Science*, 36(1): 23-42.
- Osipow, Sh. & Spokane, A. R. (1998) *Occupational stress inventory: Manual research version: Psychological Assessment Resources*, Odessa, Fla: Psychological Assessment Resources, Inc.
- Schalkwyk, G. V. (2005) "Explorations of Post-Divorce Experiences: Women's Reconstructions of Self." *Anzjft*, 26: 90-97.
- Sylvester, B. & Morss, J. R. (2002) "Risk: Toward A Psychology of Experience." *Theory & psychology*, 12(4): 509-531.
- Wallerstein, J. S. & Blakeslee, S. (2004) *Second Chances: Men, Women and Children a Decade after Divorce*. New York: Ticknor and Fields.
- Weiss, S. (1975) *Marital separation*. New York: Basic Books.
- Wickrama, S. K. A. Lorenz, O. F. Conger, D. R. Elder, H. G. Abraham, T. W. & Fang, A. Sh. (2006) "Changes In Family Financial Circumstance and the Physical Health of Married and Recently Divorced Mothers." *Social Science & Medicine*, 63(1): 123-136.

